



مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

گروه پژوهش‌های راهبردی

جهاد اقتصادی

با تاکید بر نقش شهرداری در تحقق آن

آذر ماه ۱۳۹۰

تهیه‌کنندگان: میثم امیری، حسین بذرافشان، مجید میرزائی

مدیر اجرایی: مصطفی رئوفی

گرافیک و صفحه‌آرایی: روابط عمومی (سیدمهرداد محمدی، یعقوب قاسمی، اکرم رحیمی)

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، پل رومی، خیابان شهید اکبری، نبش خیابان شهید آقابزرگی، شماره ۳۲، کدپستی ۱۹۶۴۶۳۵۶۱۱

تلفن: ۳-۲۲۳۹۲۰۸۰ <http://rpc.tehran.ir>

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران است و استفاده از مطالب آن صرفاً با

ذکر مأخذ بلامانع می‌باشد. ضمناً متن (WORD, PDF) بر روی سایت فوق قابل دریافت است.

سخن تحت

انذیشنمذکرامی

باسلام

مدیریت بهینه، حفظ پویایی و ارتقاء نوآوری هر سازمان نیازمند تجزیه و تحلیل صحیح محیط، انتخاب بهترین اهداف و راهبردها، ارتقاء توانمندی های سازمان و اقدام موثر در جهت تأمین هدف های تدوین شده است.

بی شک دستیابی به این مهم، فارغ از مطالعه، پژوهش و تدبر و تحقیق در امور امکان پذیر نمی باشد. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرستان با توجه به فلسفه وجودی و ظرفیت ها و توانمندی های خود به مدیریت فرآیندهای پژوهشی و انجام مطالعه و پژوهش در خصوص مسائل مدیریت شهری می پردازد، تا انجام فرآیندهای پیش گفته را برای مدیران، صاحب نظران و پژوهشگران حوزه مدیریت شهری تسهیل نماید.

بنابراین با توجه به اهمیت موضوع این مرکز، تحریر و نشر گزارش های موضوعی و نتایج حاصل از مطالعات تخصصی را وظیفه خود دانسته و بر این باور است که به واسطه چنین اقدامات و گزارش هایی، زمینه دستیابی به توسعه پایدار شهری در سایه مدیریت یکپارچه ممکن می شود. امید است با بهره مندی از نظرات ارزشمند جنابعالی، در ارائه موثرترین آثار، گام برداریم.

محمود عسکری آزاد

رئیس مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرستان

چکیده

بررسی سیر نام‌گذاری سال‌ها توسط مقام معظم رهبری از «وجدان کاری، انضباط اجتماعی» در سال ۱۳۷۳ تا نام‌گذاری سال ۹۰ با عنوان «جهاد اقتصادی» نشان از سیر منطقی در نام‌گذاری این سال‌ها در اداره بهتر جامعه اسلامی ایران و دغدغه پیشرفت همراه با عدالت کشور دارد. نام‌گذاری سال‌ها به عناوین مختلف، حکمت و فلسفه‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد که رهبری در ابتدای هر سال با این کار، به طور کامل و صریح دغدغه‌های خود و همچنین اولویت‌های کشور جهت دستیابی به اهداف متعالی انقلاب و نظام را تشریح و تبیین می‌نمایند.

درخصوص توجه به سال «جهاد اقتصادی» باید اشاره داشت، همان‌گونه که ایشان در سخنان خود در مورد شعار امسال و کاری که امسال باید انجام بگیرد بیان فرموده‌اند «البته سرفصل‌های مهمی وجود دارد که همه دارای اولویتند...؛ لیکن به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه از زمان، مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهاد گونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گام‌های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت.» در واقع ایشان با اعلام سال «جهاد اقتصادی» همگان را متوجه مسئولیت‌شان درخصوص مسائل اقتصادی و آینده ایران عزیز کردند، توجهی که به منظور جلوگیری از هرگونه اعمال و رفتارهای نمادین یا شتاب‌زده به صورت جدی نیازمند برنامه‌ریزی صحیح و عمیق است.

واژه «جهاد اقتصادی» از ترکیب دو کلمه جهاد و اقتصادی ایجاد شده است که در کنار هم مفهومی را ایجاد می‌نماید که در ادبیات اقتصادی متعارف، مترادف دقیقی برای آن نمی‌توان یافت. جهاد به مفهوم «تلاش و به کار گرفتن تمام توانایی و قدرت برای انجام کاری و رفع موانع موجود» تعبیر می‌گردد اما توجه به مفهوم لغوی و اصطلاحی آن در فرهنگ دینی و ملی نشان می‌دهد که این لغت صرفاً به معنای کوشش و تلاش نبوده و معنایی فراتر از آن دارد که هم ماهیت خاصی دارد (نه فقط تلاش و کوشش صرف بلکه با تمام قوا و در راستای از

سر راه برداشتن کامل آن مانع تا حد بذل جان و مال) و هم هدف خاصی (در جهت اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر دین).

✚ در این میان اگرچه اصطلاح جهاد اقتصادی ترکیب جدیدی به نظر می‌رسد و نمی‌توان واژگان مشابهی را در پیشینه فرهنگی ایران یافت، اما موارد بسیاری وجود دارد که می‌تواند بخشی از معنای این واژه یا حتی کل آن را در بر بگیرد، هر چند که پیش از این با این عنوان طبقه‌بندی نگردیده باشند. از بارزترین نمونه‌هایی که تا حد زیادی با مفهوم جهاد اقتصادی سنخیت دارد جهاد سازندگی است.

✚ با توجه به بیانات مقام معظم رهبری می‌توان دریافت که در بیانات ایشان، جهاد اقتصادی در کنار دو واژه دیگر، دشمن و مبارزه، مفهوم روشن‌تری می‌یابد و این گونه به نظر می‌رسد که ایشان جهاد اقتصادی را مقوله‌ای در مقابل دشمن و به صورت مبارزه‌ای می‌دانند. در ادبیات اقتصادی نزدیک‌ترین واژگانی که برای این دو وجود دارد به ترتیب رقیب و رقابت کردن است که به نظر می‌رسد در بیانات مقام معظم رهبری بین آن‌ها تفاوت‌های مهمی وجود داشته باشد.

✚ در ادبیات علمی رقابت کردن و رقیب بودن به صورت پیش‌فرض به قوانین داخلی یا بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای و بازاری محدود شده است (هر چند در واقعیت این گونه نباشد) و به نظر می‌رسد که بتوان تفاوت عمده‌ای که بین دشمنی کردن و رقابت کردن در نظر گرفت، عدم لحاظ همین محدودیت‌های قانونی و اخلاقی در عرصه اقتصادی است. در واقع، وقتی که شرایط به گونه‌ای فرض شود که یا قوانین موجود به صورتی ناعادلانه و غیراخلاقی وضع گردیده و یا اینکه یک طرف دعوا به قوانین و اخلاقیات پایبندی خاصی ندارد و در پی نابودی یا خسارت زدن به طرف مقابل است، دیگر نمی‌توان او را رقیب نامیده و شاید بتوان واژه دشمن را برای آن در نظر گرفت. در این صورت، مفهوم واقعی جهاد اقتصادی در بطن خود در برگیرنده این است که اولاً دشمنی وجود دارد که در پی خسارت زدن یا نابودی طرف مقابل است و ثانیاً اینکه امکان رقابت سالم در برابر آن وجود نداشته و باید با آن مبارزه کرد.

✚ در واقع باید اشاره نمود که هر چند که جهاد اقتصادی در معنای اولیه خود تلاش فراوان در زمینه‌های اقتصادی کشور و رفع مشکلات و موانع آن در نظر گرفته می‌شود اما دقت در سخنان مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که علاوه بر این معنای اولیه، ایشان بر لزوم توجه به این دشمنان و بذل مال و جان در جهت مبارزه با این دشمنان برای اعتلای اسلام و

شریعت الهی نیز تأکید نموده‌اند، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد که صرف توجه به معنای اولیه این اصطلاح نمی‌تواند هدف اصلی گوینده را بیان نموده و باعث تغییر نگاه اصولی در بین کارگزاران اقتصادی و مردم شود.

علاوه بر این، با توجه به بیانات مقام معظم رهبری می‌توان دریافت که ایشان به مسائل و مشکلات ریشه‌ای و اساسی اقتصادی داخلی در کنار وجود دشمن خارجی نیز توجه خاص داشته‌اند. چرا که اگر حتی دشمنی خارجی وجود نداشته باشد، مشکلات داخلی‌ای که سبب ضعف اقتصادی گردند، می‌تواند تهدیدی برای امنیت ملی محسوب گردند. اقتصاد ایران در سیر تاریخی خود مشکلاتی ریشه‌ای و اساسی را همواره با خود به همراه داشته است که به ظاهر با تلاش‌های عادی نمی‌توان این مشکلات را حل نمود و نیاز به حرکتی عظیم در مقابل آن وجود دارد. بحث جهاد اقتصادی به خاطر ویژگی‌های خاص خود می‌تواند عاملی برای ایجاد این حرکت محسوب گردد.

در ارتباط با ضرورت جهاد اقتصادی نیز باید گفت که برخی از تحولات اقتصادی سال‌های اخیر درخصوص اقتصاد کشور وجود دارد که ضرورت توجه به این موضوع را دوچندان نموده است. از جمله این موارد می‌توان به سه مورد زیر اشاره نمود:

(۱) تحریم‌های اقتصادی؛ در ظاهر امر تحریم‌های صورت گرفته بر علیه ایران، صورتی قانونی داشته و براساس روال و قوانین مورد تأیید و حمایت اعضای سازمان ملل است. اما، موضع‌گیری‌های ایران در قبال این تحریم‌ها حاکی از آن است که مقام معظم رهبری و مردم ایران این تحریم‌ها را هر چند ظاهری قانونی دارند اما ناعادلانه و غیرقانونی محسوب می‌کنند. در واقع رهبری با این ذکر این مطلب بیان داشته‌اند که، اقدامی خلاف قانون از ایران که سبب اعمال چنین تحریم‌هایی گردد صورت نپذیرفته است و اقدامات انجام شده بر علیه ایران دشمنی‌ای آشکار محسوب می‌شود.

(۲) حرکت بطئی اقتصاد؛ بررسی روند حرکتی اقتصاد کشور و مقایسه آن با روند مطلوب نشان از فاصله و شکافی عمیق میان این دو دارد. بررسی شرایط اقتصادی ایران نشان می‌دهد، اقتصاد ایران دچار مشکلات ساختاری نظیر «وابستگی شدید به درآمدهای نفتی» و «دولتی بودن اقتصاد» است که ایران را از دستیابی به اهداف والای خود نظیر اهداف

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ باز می‌دارد. باید اشاره داشت این مشکلات آن چنان در تار و پود اقتصاد ما گره خورده است که جز با حرکتی جهادگونه امکان از بین برداشتن آن وجود ندارد و این مهم نیز ضرورت توجه به این سال و درک معنا و مفهوم واقعی آن را دوچندان می‌نماید چرا که ادامه روند موجود می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را بر بدنه اقتصاد کشور وارد نماید.

۳) منطقه پارس جنوبی؛ رهبری با حضور در این منطقه در ابتدای سال بیان فرمودند که «در این منطقه‌ی معادن غنی گازی، خوب ما شریکی داریم؛ حالا من نمی‌خواهم تعبیر کنم به رقیب. شما وقتی نگاه می‌کنید، می‌بینید همه‌ی کسانی که از پیشرفت ملت ایران ناراضی‌اند، آنجا در مواجهه‌ی با ملت ایران جمع شده‌اند، متراکم شده‌اند؛ آن طرف را کمک کنند و هرچه می‌توانند، در کار این طرف کارشکنی کنند». این مورد از جمله مصادیقی است که دشمن از عدم وجود قوانین عادلانه به ضرر مردم ایران استفاده نموده است و به انحاء مختلف با جلوگیری از انتقال فن‌آوری و سرمایه از پیشرفت ایران در این حوزه جلوگیری می‌نمایند.

 در فرآیند اجرایی شدن و تحقق جهاد اقتصادی توجه به الزامات این موضوع بسیار ضروری می‌باشد. در این راه اولین گام آگاهی مردم و سازمان‌ها از وظیفه شرعی و ملی خویش در امر جهاد است. هر چند که وظیفه این آگاه‌سازی بر عهده نظام و سیاست‌گذاران کلان کشور است، اما هر یک از سازمان‌ها و مردم باید با توجه به وظیفه اصلی خود، سعی در پیدا نمودن جایگاه خود در امر جهاد نمایند و بدانند که این امر در حد تلاش مضاعف نبوده و بلکه در این راه تا برداشتن کامل موانع و شاید تا حد بذل جان و مال باید پیش برود.^۱

 گام بعدی در راستای نگاهی راهبردی به جهاد اقتصادی، توجه و شناخت اهداف اصلی در نظر گرفته شده برای این مفهوم است. با توجه به بیانات معظم له می‌توان دریافت که ایشان با نام‌گذاری جهاد اقتصادی و با توجه به شرایط ویژه اقتصادی کشور، اهدافی همچون «نشان دادن قدرت نظام اسلامی در حل مشکلات و مسائل اقتصادی» و «بر سردست گرفتن الگوی

۱- در این میان شهرداری‌ها به واسطه بهره‌گیری از فضای تبلیغات در شهرها می‌توانند در تشریح و تبیین هرچه بهتر این مفهوم کمک نمایند. اما در این راه همان گونه که اشاره شد، این امر باید به دور از تبلیغات بی‌هوده و اقدامات شعاری بوده و صرفاً باید در جهت تشریح موضوع باشد.

پیشرفت یک ملت با تعالیم اسلام» را پیگیری می‌نمایند که همواره و در برهه‌های زمانی مختلف نیز بر این اهداف تأکید و توجه داشته‌اند.

اقدام دیگری که باید در جهت نگاهی راهبردی به موضوع جهاد اقتصادی مد نظر قرار گیرد، شناسایی موانع اصلی پیشرفت اقتصادی ایران است. در واقع در صورتی که ما بخواهیم جهادی اقتصادی (به طور فراگیر) داشته باشیم؛ نیازمند آسیب‌شناسی و مانع‌شناسی در تمامی عرصه‌های اقتصادی می‌باشیم تا بتوانیم برای رفع این موانع بپا خیزیم. کارشناسان، موانع اقتصادی بسیاری را برای اقتصاد ایران بر شمرده‌اند که برای شناخت کامل این موارد نیاز است تا مطالعه جامع و کاملی صورت پذیرد.

اما از مهم‌ترین موانع اقتصادی کشور می‌توان به وابستگی اقتصاد به نفت و سایر منابع طبیعی، حجم بالای دولت، بهره‌وری پایین، بیکاری مزمن و تورم لجام گسیخته در اقتصاد کشور اشاره داشت که رهبری با نام‌گذاری امسال و همچنین فرمایشات ایشان در این خصوص، خواستار افزایش تمرکز بخش‌های مختلف کشور جهت رفع این موانع از طریق حرکت جهادی بوده‌اند.

البته باید به این موضوع نیز توجه داشت که شرایط جهاد یک شرایط ویژه بوده و راهبرد اصلی کشور نه جنگ اقتصادی بلکه تعامل سازنده با دنیا و براساس معیار عزت، حکمت و مصلحت است که مورد تأیید رهبری نیز می‌باشد.

گام بعدی در این راه شناخت راهبردها و تعیین آرایش جهادی جهت دستیابی به اهداف است. در این مرحله باید مشخص گردد که در قبال موانع و دشمن اقتصادی چه راهبردهای ممکن وجود دارد و از بین آن‌ها کدامیک می‌تواند برای کشور مناسب‌تر باشد. انتخاب این راهبردها در کنار طرح‌ها و پروژه‌های عملیاتی مشخص، در واقع نقشه عملیاتی یا همان نقشه راه کشور به سوی اهداف عالیه جهاد اقتصادی را مشخص می‌نماید. در واقع نقشه عملیاتی یا همان نقشه راه، اهداف کوتاه مدت و بلند مدت را در راستای دستیابی به آن اهداف به همدیگر گره می‌زند. در تدوین این نقشه عملیاتی راهبردها، توجه به ۳ موضوع بسیار حائز اهمیت است: ۱- هم راستایی راهبردها با سند چشم‌انداز و برنامه پنج ساله کشور و همچنین بررسی روند رشد و توسعه کشور، ۲- راهبرد انتخابی در راستای وقایع و اتفاقات گذشته و

برنامه‌ریزی دشمن برای آینده سیاسی و اقتصادی کشور باشد و ۳- راهبرد مورد نظر در راستای بررسی‌های علمی مربوط به مبانی علم اقتصاد اسلامی و ارائه و تبیین الگوی اقتصاد اسلامی باشد.

✚ پس از اتخاذ راهبردهای اساسی کشور و تهیه نقشه عملیاتی، لازم است که همه سازمان‌ها و افراد اقتصادی **آرایش جهادی** متناسب به خود گرفته و خود را از هر لحاظ برای مبارزه آماده نمایند. آرایش جهادی در اینجا به معنای تقسیم وظایف هر یک از نیروها و امکانات و سازماندهی و ساختاربندی دقیق و مشخص آن‌ها می‌باشد.

✚ یکی از مهم‌ترین عوامل در راستای بهبود فرآیند عملیاتی شدن جهاد اقتصادی، آموزش نیروها پیش و در حین اجرای آن است. هر چند که انگیزه‌های دینی و ملی و برنامه‌ریزی دقیق و پایبندی به آن نقش بسیار مهمی در موفقیت جهاد اقتصادی خواهد داشت، اما یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند کارایی فرآیند را افزایش داده و از هزینه‌های جانبی این امر بکاهد آموزش‌های مداوم و مفید است.

✚ پس از اتخاذ تصمیمات راهبردی، نوبت به اجرای برنامه‌ها است. در این بخش لازم است که همه ظرفیت‌های کشور یکسو گردیده و با تلاش و از خود گذشتگی در جهت دستیابی به اهداف مد نظر جهاد اقتصادی حرکت نمایند. در اینجا نباید فراموش نمود که در جهاد و یا مبارزه اقتصادی این تلاش‌ها تا برداشتن کامل موانع اقتصادی باید پیش برود و در این راه، ارزیابی دقیق و مستدام عملکرد بخش‌های مختلف اقتصاد در راستای برنامه‌های راهبردی نظام و حرکت جهاد اقتصادی بسیار ضروری است.

✚ باید اشاره نمود که مفهوم و کارکرد جهاد اقتصادی صرفاً محدود به دولت نشده و شامل همه سازمان‌ها و نهادها و هر کسی با هر شغلی و مسئولیتی می‌شود. در این میان شهرداری تهران به عنوان یکی از سازمان‌های مهم و فعال در ساختار اقتصادی- اجتماعی ایران، می‌تواند نقش بسیار مهمی در امر خطیر جهاد اقتصادی بر عهده داشته باشد. در همین راستا، اولین گام در راه جهاد اقتصادی برای شهرداری تهران، شناخت جایگاه آن در این امر خطیر در نظام جمهوری اسلامی است. شهرداری تهران به صورت قانونی دارای وظایف ویژه و تعریف شده‌ای است که در حال حاضر مشغول به انجام آن است. اما در شرایط خاص فعلی، علاوه بر اینکه شهرداری تهران نیاز به تلاش و کوشش بیشتر در این مسیر دارد، احتمالاً نیازمند

بازنگری‌ای دوباره در مسئولیت‌ها و جایگاه خود متناسب با امر جهاد اقتصادی است زیرا که این شناخت عمیق می‌تواند بر راهبردهای انتخابی این سازمان تأثیر به‌سزایی بگذارد.

گام بعدی در این فرآیند، شناخت موانع موجود در شهرداری است. شهرداری تهران باید به خوبی از نقاط ضعف و قوت مجموعه خود آگاه بوده و با درکی عمیق از تحولات ایران و جهان، فرصت‌ها و تهدیداتی که پیش روی این سازمان مهم در اقتصاد ایران است را شناسایی نماید.

برخی از عمده‌ترین مشکلات شهرداری‌های کلانشهرهای کشور را می‌توان مواردی همچون ضعف در داشتن یک نظام و ساختار درآمدی پویا و پایدار، حجم بالای فعالیت‌های تصدی‌گری، مشکل بهره‌وری و نقص در شفافیت مالی و اداری در شهرداری‌ها بر شمرد.

پس از شناخت موانع و نقاط ضعف و قوت، لازم است تا راهبردهای ممکن جهت مبارزه در شهرداری شناسایی گردیده و از بین آن‌ها بهترین راهبردها انتخاب گردد. تعیین این موضوعات راهبردی و در ادامه طرح‌ها و پروژه‌های منتج از آن‌ها در واقع نقشه عملیاتی‌ای برای شهرداری ایجاد می‌نماید که می‌تواند روشنگر این باشد که شهرداری تهران باید چگونه نیروهای خود را جهت امر جهاد اقتصادی آرایش دهد.

و در نهایت نیز بخش مربوط به اجرا و ارزیابی و همچنین اصلاح برنامه‌ها قرار دارد که باید گفت اجرای راهبردهای جهادی شهرداری تهران به طور قطع با تغییرات گسترده‌ای در این سازمان همراه خواهد بود که علاوه بر اینکه مدیران شهرداری باید تقید کامل به راهبردهای کلان مصوب داشته باشند، الزاماً باید خود را برای تغییرات گسترده در سازمان‌های متبوع خود آماده نمایند. رصد تحولات و ارزیابی دقیق عملکرد سازمان اقدامات لازمی خواهد بود که در حین فرآیند اجرا به منظور اصلاح مناسب‌تر این فرآیند به طور مداوم انجام پذیرد. این کار می‌تواند با استفاده از تعریف کارگروه‌های ویژه در درون شهرداری تهران به صورت دائمی صورت گیرد.

فهرست مطالب

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
مقدمه	۱۵
۱- مفهوم جهاد اقتصادی	۱۶
۱-۲- جهاد اقتصادی در لغت و اصطلاح	۱۷
۲-۲- جهاد اقتصادی در پیشینه فرهنگی مردم ایران	۱۸
۲-۳- جهاد اقتصادی در بیان مقام معظم رهبری	۲۰
۲- ضرورت جهاد اقتصادی	۲۴
۳- الزامات جهاد اقتصادی	۲۷
۳-۱- شناخت موانع و آسیب‌شناسی اقتصاد ایران	۳۰
۳-۱-۱- برخی از موانع و مشکلات اقتصاد ایران	۳۳
۳-۲- تعیین موضوعات راهبردی و آرایش جهادی	۵۲
۳-۳- آموزش	۵۵
۳-۴- اجرا، ارزیابی و اصلاح	۵۵
۴- جهاد اقتصادی و شهرداری تهران	۵۶
۴-۱- شناخت جایگاه شهرداری در جهاد اقتصادی	۵۶
۴-۲- شناخت موانع اقتصادی در شهرداری و اتخاذ راهکارهایی جهت رفع این موانع	۵۷
۴-۳- اجرا، ارزیابی و اصلاح برنامه راهبردی شهرداری تهران	۶۸
۵- جمع‌بندی و پیشنهادات	۶۸
منابع	۷۱

مقدمه

«آنچه که در عرصه‌ی مجموعه‌ی مسائل کشور انسان مشاهده می‌کند، که در سال ۹۰ باید ما آن را وجهه‌ی همت خودمان قرار بدهیم، این است که از جمله‌ی اساسی‌ترین کارهای دشمنان ملت ما و کشور ما در مقابله‌ی با کشور ما، مسائل اقتصادی است. البته در عرصه‌ی فرهنگی هم فعالند، در عرصه‌ی سیاسی هم فعالند، در عرصه‌ی انحصارات علمی هم فعالند، اما در عرصه‌ی اقتصادی فعالیت بسیار زیادی دارند. همین تحریم‌هایی که دشمنان ملت ایران زمینه‌سازی کردند یا آن را بر علیه ملت ایران اعمال کردند، به قصد این بود که یک ضربه‌ای بر پیشرفت کشور ما وارد کنند و آن را از این حرکت شتابنده باز بدارند. البته خواسته‌ی آن‌ها برآورده نشد و نتوانستند از تحریم‌ها آن نتیجه‌ای را که انتظار داشتند، بگیرند و تدابیر مسئولان و همراهی ملت بر ترفند دشمنان فائق آمد؛ اما دنبال می‌کنند. لذا این سال جاری را که از این لحظه آغاز می‌شود، ما بایستی متوجه کنیم به‌اساسی‌ترین مسائل کشور، و محور همه‌ی این‌ها به نظر من مسائل اقتصادی است؛ لذا من این سال را «سال جهاد اقتصادی» نام‌گذاری می‌کنم و از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخش‌های دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی می‌شوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه‌ی اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم»^۱.

سیر نام‌گذاری سال‌ها توسط مقام معظم رهبری از وجدان کاری و انضباط اجتماعی، نهضت خدمت‌رسانی به مردم، سال پاسخگویی سه قوه به ملت ایران، همبستگی ملی و مشارکت عمومی، سال به نام مبارک پیامبر اعظم (ص)، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، نوآوری و شکوفایی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف و بالاخره جهاد اقتصادی نشان از سیر منطقی در اداره بهتر جامعه اسلامی ایران و دغدغه پیشرفت همراه با عدالت کشور دارد. نام‌گذاری سال‌ها به عناوین مختلف، حکمت و فلسفه‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد. رهبر فرزانه انقلاب، درباره فلسفه نام‌گذاری سال‌ها فرمودند: «این شعارها نه فقط یک امر نمایشی است، و نه هم این جوری است که

ما خیال کنیم در این سال، این شعار همه مشکلات کشور را حل خواهد کرد؛ نه، این تشریفاتی نیست، نمایشی نیست؛ این خط روشنی را به ما نشان می‌دهد.^۱

اما درخصوص توجه به سال «جهاد اقتصادی» باید اشاره داشت، همان گونه که ایشان در سخنان خود در مورد شعار امسال و کاری که امسال باید انجام بگیرد می‌فرمایند «البته سرفصل‌های مهمی وجود دارد که همه دارای اولویتند ...؛ لیکن به نظر صاحب‌نظران، امروز در این برهه‌ی از زمان، مسئله‌ی اقتصادی از همه‌ی مسائل کشور فوریت و اولویت بیشتری دارد. اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گام‌های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت.»^۲

با اعلام سال «جهاد اقتصادی» ایشان همگان را متوجه مسئولیتشان درخصوص مسائل اقتصادی و آینده ایران عزیز کردند. (آینده‌ای که تحقق سیاست‌های کلی چشم‌انداز ۲۰ ساله در سال ۱۴۰۴ تنها بخش کوچکی از آرمان‌های بلند مردمان این سرزمین است). توجهی که به منظور جلوگیری از هرگونه اعمال و رفتارهای نمادین یا شتاب‌زده به صورت جدی نیازمند برنامه‌ریزی صحیح و عمیق است. لذا در این مطالعه سعی شده است به عنوان اولین گام جهت برنامه‌ریزی مناسب؛ ضمن تشریح مفهوم «جهاد اقتصادی»، با نگاهی راهبردی، گام‌ها و الزامات لازم به منظور حرکت در جهت جهاد اقتصادی تبیین گردد.

۱- مفهوم جهاد اقتصادی

با نام‌گذاری سال ۱۳۹۰ به عنوان سال «جهاد اقتصادی» توسط مقام معظم رهبری، تعاریف و تفاسیر گوناگونی از این مفهوم ارائه گردید که به نظر می‌رسد برخی از این تفاسیر به درستی این مفهوم و فہوای کلام رهبری را درک نکرده باشند. همچنین در اینجا باید اشاره داشت، برخی لغات و تعبیر وجود دارند که برای یافتن مفهوم دقیق آن‌ها نیاز به تدقیق بیشتر در منابع لغوی و توجه به مفاهیم اصطلاحی- تاریخی در ادبیات دینی و فرهنگی مردم ایران می‌باشد. این موضوع برای مفهوم

۱- همان طور که ملاحظه شد، در دیدگاه معظم له، این نام‌گذاری‌ها، تنها یک عبارت نمایشی و تشریفاتی نیستند، بلکه نقشه راه ملت و مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران در آن سال می‌باشد. این نام‌ها حرکت‌های جدیدی را پایه‌گذاری می‌کنند اما با پایان سال تمام نمی‌شوند.

۲- سخنان مقام معظم رهبری در جمع زائران حرم رضوی، فروردین ۱۳۹۰

جهاد نیز صدق می‌کند به خصوص اینکه وقتی با کلمه دیگری، همچون اقتصادی، نیز همراه گردیده است؛ لذا در این بخش از گزارش تلاش شده است تا مفهوم جهاد اقتصادی از لحاظ لغوی و سابقه تاریخی آن در پیشینه فرهنگی مرم ایران و همچنین از نگاه و دیدگاه رهبری تشریح و تبیین گردد.

۱-۲- جهاد اقتصادی در لغت و اصطلاح

واژه «جهاد اقتصادی» از ترکیب دو کلمه جهاد و اقتصادی ایجاد شده است که در کنار هم مفهومی را ایجاد می‌نماید که در ادبیات اقتصادی مترادف دقیقی برای آن نمی‌توان یافت؛ لذا نیاز است تا هر یک از این مفاهیم را نخست به صورت جداگانه بررسی می‌نمائیم. اما پیش از پرداختن به مفهوم جهاد باید اشاره داشت که در ادبیات فرهنگی و دینی مردم ایران در مقابله با یک مانع سه راه وجود دارد، جهاد، هجرت و صلح. در برخورد با مانع، اولین راهحلی که به ذهن می‌رسد این است که آن مانع را برطرف و راه را برای ادامه حرکت باز نماییم؛ اما در صورتی که امکان رفع مانع نباشد و یا هزینه‌های آن بسیار زیاد باشد، راهحل دوم دور زدن یا پریدن از روی آن است. در صورتی که این راه هم ممکن یا به صرفه نباشد شاید بهتر باشد که کمی صبر کرده با مشکلاتی که مانع برای ما ایجاد کرده کنار بیاییم تا بتوانیم در زمانی مناسب راهحلی برای آن پیدا کنیم. این تعاریف ساده می‌تواند تا حدودی معنای سه واژه جهاد، هجرت و صلح را برای ما روشن نماید. اما برای یافتن معنای دقیق لغوی و اصطلاحی جهاد باید به منابع اصلی لغت‌شناسی آن مراجعه نمود. جهاد در لغت از ریشه «جَهَد و جُهِد» به معنای تلاش کامل و پذیرش و تحمل سختی‌های انجام کار است و همچنین به معنای توان و طاقت است.^۱ براساس این واژه سه حرفی واژه‌های متعدد دیگری مشتق می‌شود که در هسته آن‌ها مفهوم «تلاش جدی و همراه با قبول زحمت و سختی» وجود دارد. در این میان یکی از مهم‌ترین مشتقات آن و آنچه که در این مطالعه به دنبال آن هستیم واژه جهاد می‌باشد. بر این اساس جهاد به مفهوم «تلاش و به کار گرفتن تمام توانایی و قدرت برای انجام کاری و رفع موانع موجود» تعبیر می‌گردد. صاحب قاموس می‌گوید: «اصل کلمه جهاد از «جَهْد» است^۲ و به معنای تلاش توأم با رنج و زحمت می‌باشد. جهاد مصدر باب مفاعله و به معنی بسیار تلاش کردن می‌باشد و نیز اسم است به معنی جنگ. جنگ را از آن جهت جهاد گویند که تلاش توأم با رنج

۱- راغب اصفهانی، ۱۳۶۳

۲- (به فتح جیم و ضم آن)

است»^۱. در تعریف اصطلاحی جهاد، صاحب جواهر می‌گوید: «جهاد بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین است»^۲ در آیات قرآن نیز برای کسانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می‌کنند فضیلت قرار داده شده است (فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً نسا، ۹۵). بنابراین، توجه به ترجمه لغوی و اصطلاحی جهاد نشان می‌دهد که این لغت صرفاً به معنای کوشش و تلاش نبوده و معنایی فراتر از آن در فرهنگ دینی دارد که هم ماهیت خاصی دارد (نه فقط تلاش و کوشش صرف بلکه با تمام قوا و در راستای از سر راه برداشتن کامل آن مانع تا حد بذل جان و مال) و هم هدف خاصی (در جهت اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر دین). به منظور درک مناسب‌تر مفهوم جهاد اقتصادی، جدا از واژه‌شناسی لغوی آن باید این مفهوم را در کنار مفاهیم به کار گرفته در مضامین دینی و پیشینه فرهنگی مردم ایران و همچنین ادبیات مقام معظم رهبری جستجو نمود که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲-۲- جهاد اقتصادی در پیشینه فرهنگی مردم ایران

اگرچه اصطلاح جهاد اقتصادی ترکیب جدیدی به نظر می‌رسد و نمی‌توان واژگان مشابهی را در پیشینه فرهنگی ایران یافت، اما موارد بسیاری وجود دارد که می‌تواند بخشی از معنای این واژه یا حتی کل آن را در بر بگیرد، هر چند که پیش از این با این عنوان طبقه‌بندی نگردیده باشند.

یکی از بارزترین نمونه‌هایی که تا حد زیادی با مفهوم جهاد اقتصادی سنخیت دارد جهاد سازندگی است. در دوران ابتدایی انقلاب و در حالی که سطح رفاهی مردم در حد بسیار پایینی بوده و برخی از مردم در اقصی نقاط ایران از ابتدایی‌ترین امکانات بی‌بهره بودند، با فرمان حضرت امام خمینی (ره) حرکتی عظیم از طرف مردم کشور جهت جبران این کاستی‌ها انجام گرفت که وجود جنگ تحمیلی ابعاد آن را به مقابله با جنگ که ویرانی‌های اقتصادی هم به همراه داشت، گسترش داد. گذشته از این مطلب، این نگاه و تعبیر به جهاد در عرصه سازندگی و اقتصاد در بسیاری از سخنرانی‌های حضرت امام (ره) نیز به چشم می‌خورد، ایشان در بخشی از فرمایشات خود می‌فرمایند:

«برادران عزیزم! ما در عصری واقع شدیم که ظلمت دنیا را گرفته است ما در این عصر با اتکاء به خدای تبارک و تعالی و استمداد از اسلام و قرآن کریم و ولی عصر - سلام ... علیه - باید خودمان

۱- علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن

۲- محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

کوشش کنیم و خودمان جهاد کنیم، جهاد در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، جهاد در کارخانه‌ها و کارگری‌ها، جهاد در کشاورزی‌ها، جهاد در مدارس، جهاد در دانشگاه‌ها، جهاد در همه جا، جهاد در جبهه‌ها و جهاد در پشت جبهه، شیاطین در همه این گروه‌هایی که برای خدا قیام کرده‌اند ممکن است نفوذ کرده باشد»^۱.

امام خمینی رضوان الله در جای دیگر می‌فرماید:

«شما در حال جنگید، در حال جنگ اقتصادی و این خود یک محاربه‌ای بین اسلام و کفر است ... این تنها موعظه نیست، که مردم خوب است این کار را بکنند، نجات دادن یک کشور اسلامی از زیر بار ظلم و از زیر بار استعمار است. نجات دادن مملکت اسلامی، یک تکلیفی است که انسان موظف است انجام بدهد»^۲.

و یا در جای دیگری ایشان فرموده‌اند:

«امروز شما باید که باید دامن به کمر بزنید و در رشد صنایع این کشور و در رشد تولید این کشور دامن به کمر بزنید و همت بگمارید و فعالیت بکنید، فعالیت شما امروز برای کشور اسلامی یک عبادت است. شما امروز همه‌تان با ایده اسلامی در حال عبادت هستید، چه در کارخانه‌ها و چه در مواردی که به صنعت مشغول هستید و چه در کشاورزی هر کس هست و چه در سایر کارخانه‌ها که هست، وقتی انسان برای خلق خدا خدمت بکند برای اینکه این خلق در طول تاریخ ستم دیدند، عقب نگه داشته شدند، نگذاشتند رشد معنوی بکنند، رشد مادی بکنند. وقتی با این ایده شما خدمت بکنید شما در خدمت اسلام هستید و شما مجاهد هستید در پشت جبهه‌ها همان طوری که مجاهدین مجاهدت می‌کنند و عبادت خدا را در آنجا می‌کنند شما هم در پشت جبهه‌ها هستید و عبادت خدای تبارک و تعالی را با همین کارهایتان انجام می‌دهید»^۳.

تمامی این مصادیق نشان می‌دهد که اگرچه مفهوم جهاد اقتصادی واژه جدیدی به نظر می‌رسد، اما به این مفهوم از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون به انحاء گوناگونی اشاره شده است و حال که بار دیگر این مفهوم با تأکیدی خاص توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است جا دارد به این مفهوم و

۱- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۳۷

۲- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۷

۳- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۴۷

به جایگاه این مفهوم در فرمایشات ایشان و در کنار دیگر مفاهیم به کار گرفته شده توسط معظم‌له توجه ویژه‌ای نمائیم.

۳-۲- جهاد اقتصادی در بیان مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۰ را سال جهاد اقتصادی نام‌گذاری نموده و در بیانات نوروزی خود عنوان داشتند که «من این سال را (سال جهاد اقتصادی) نام‌گذاری می‌کنم و از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخش‌های دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی می‌شوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه‌ی اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم». همچنین در بازدیدی که از منطقه اقتصادی پارس جنوبی داشتند بیان نمودند که: «جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که به خصوص یک دشمنی سینه به سینه‌ی شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه‌ی این‌ها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای (جهاد) معادلی پیدا کنیم، می‌شود (مبارزه). جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه‌ی اقتصادی». توجه به این بخش از سخنان ایشان، که البته در سایر سخنان ایشان نیز به نوعی تکرار گردیده است، تا حدودی می‌تواند روشنگر نظر ایشان در مورد جهاد اقتصادی برای ما باشد.

در بیانات ایشان، جهاد اقتصادی در کنار دو واژه دیگر، دشمن و مبارزه، مفهوم روشن‌تری می‌یابد. به نظر می‌رسد، ایشان جهاد اقتصادی را مقوله‌ای در مقابل دشمن و به صورت مبارزه‌ای می‌دانند. همان‌طور که قبلاً مطرح گردید، اصطلاح جهاد اقتصادی تاکنون واژه‌ای مصطلح در ادبیات اقتصادی نبوده است؛ این موضوع برای واژگان دشمن و مبارزه در حوزه اقتصاد نیز صادق است. در ادبیات اقتصادی نزدیک‌ترین واژگانی که برای این دو وجود دارد به ترتیب رقیب و رقابت کردن است که به نظر می‌رسد در بیانات مقام معظم رهبری بین آن‌ها تفاوت‌های مهمی وجود داشته باشد.

در ادبیات اقتصادی رقابت اساساً به سیاست‌های بازارها و تعاملات اقتصادی ارتباط می‌یابد و بیان‌کننده حالتی است که افراد و بنگاه‌های اقتصادی برای به دست آوردن منافع شخصی (مثلاً سهم بیشتر از بازار) تلاش می‌کنند تا بتوانند کالا یا خدمات را خریداری نموده یا بفروشند. در این میان نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که رقابت اقتصادی و تجاری در اکثر کشورها تابع قوانین مخصوص به آن است. برای مثال، رقابت ممکن است که در حالت‌هایی که انحصار دولتی وجود دارد ممنوع شده باشد. در بین کشورها نیز قوانینی در چارچوب بین‌المللی وضع گردیده است که وضعیت رقابت بین کشورها را تنظیم می‌نماید. در واقع، بحث رقابت در ادبیات اقتصادی و بحث تجارت بین‌الملل، معمولاً بحثی مثبت ارزیابی گردیده و (به جز موارد خاصی که به تشخیص دولت‌ها در تجارت داخلی یا بین‌المللی محدودیت‌هایی بر بحث رقابت ایجاد می‌گردد) بیشتر کشورها در راستای گسترش رقابت و رفع موانع پیش روی آن هستند. باید توجه داشت که هر چند که در واقعیت در دنیای تجارت، بی اخلاقی‌ها و اقدامات خلاف قانون بسیاری در امر رقابت در بین افراد و بنگاه‌های اقتصادی و حتی بین کشورها صورت می‌گیرد، اما در ادبیات اقتصادی واژه رقابت، به نظر، با این پیش فرض بیان و توصیه می‌گردد که در چارچوبی قانونی قرار داشته و ملزومات اخلاق حرفه‌ای و بازاری را نیز به همراه داشته باشد؛ لذا می‌توان گفت که مفهومی که از بحث رقابت و رقابت کردن در ادبیات اقتصادی به ذهن متبادر می‌گردد لزوماً با مفهوم اصطلاحی که در واقعیت بازار وجود دارد یکسان نبوده و هنوز فاصله زیادی بین رقابت توصیه شده در ادبیات اقتصادی و رقابت اصطلاحی در بازار در بیشتر کشورهای دنیا وجود دارد.

در کشور ایران نیز سال‌هاست که بحث گسترش رقابت در بین افراد و بنگاه‌های اقتصادی در داخل و افزایش رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی وجود داشته و اقدامات زیادی جهت بهبود شرایط رقابتی در کشور صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته هدف‌گذاری ایران به عنوان «دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)» در برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران است که به روشنی هدف‌گذاری رقابتی در سطح منطقه است.

از ماحصل مطالب عنوان شده به دنبال آن هستیم که به توضیحی از علت استفاده از واژه جهاد اقتصادی (که غالباً به همراه واژگان دشمن و مبارزه بیان می‌شود) در بیانات مقام معظم رهبری

برسیم. آن چه که قابل برداشت از بیانات ایشان و مقایسه آن با ادبیات اقتصادی است، این است که استفاده از این واژگان غیرمصطلح در ادبیات اقتصادی توسط ایشان کاملاً عامدانه بوده و ایشان به دنبال القاء مفهومی خاص به مخاطبین است که لزوماً نمی‌توان با واژگان موجود در ادبیات اقتصادی برای آن‌ها جایگزین دقیقی ایجاد نمود.

سؤال این است که چرا دشمن و مبارزه به جای رقیب و رقابت کردن؟ همان طور که گفته شد، در ادبیات علمی رقابت کردن و رقیب بودن به صورت پیش فرض به قوانین داخلی یا بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای و بازاری محدود شده است (هر چند در واقعیت این گونه نباشد) و به نظر می‌رسد که بتوان تفاوت عمده‌ای که بین دشمنی کردن و رقابت کردن در نظر گرفت، عدم لحاظ همین محدودیت‌های قانونی و اخلاقی در عرصه اقتصادی است. در واقع، وقتی که شرایط به گونه‌ای فرض شود که یا قوانین موجود به صورتی ناعادلانه و غیراخلاقی وضع گردیده و یا اینکه یک طرف دعوا به قوانین و اخلاقیات پایبندی خاصی ندارد و در پی نابودی یا خسارت زدن به طرف مقابل است، دیگر نمی‌توان او را رقیب نامیده و شاید بتوان واژه دشمن را برای آن در نظر گرفت. به علاوه اینکه، در این حالت عملاً رقابت کردن نیز معنای واقعی خود را نداشته و شاید بتوان مبارزه را جایگزین آن نمود. در این صورت، مفهوم واقعی جهاد اقتصادی در بطن خود در برگیرنده این است که اولاً دشمنی وجود دارد که در پی خسارت زدن یا نابودی طرف مقابل است و ثانیاً اینکه امکان رقابت سالم در برابر آن وجود نداشته و باید با آن مبارزه کرد. مقام معظم رهبری در پارس جنوبی بیان داشتند که: «این معنای جهاد و مبارزه را نشان می‌دهد؛ اینکه انسان در مقابل خود، دشمنی دشمن و خصم را احساس کند» و اینکه «سلطه‌گران و متجاوزان بین‌المللی به نحو دیگری در فکر این هستند که به هر نقطه‌ای از نقاط عالم که می‌توانند، دست بیندازند و منافع نامشروع خودشان را تأمین کنند، ولو به قیمت نابود کردن هویت و عزت ملت‌ها؛ همان‌طور که مشاهده می‌کنید در گوشه و کنار دنیا و به خصوص در این منطقه، در این سال‌ها دارند انجام می‌دهند».

در ادبیات علمی موجود برای بحث رویکردهای رقابتی با رقیبان مطالب فراوانی وجود دارد و اصولاً بحث استراتژی‌ها و مدیریت استراتژیک برای بهبود وضعیت رقابتی بنگاه‌ها مطرح گردیده است. هر چند مباحث استراتژی در اقتصاد برگرفته از ادبیات استراتژی در علوم نظامی است، اما با توجه به محدودیت‌های قانونی و اخلاقی‌ای که در تنظیم بازارها در نظر گرفته می‌شود، امروزه نمی‌توان حوزه اقتصاد را به مانند یک میدان جنگ در نظر گرفت، مگر اینکه بر این اعتقاد بود که

طرف مقابل قانون یا اصولی که از لحاظ ما عادلانه یا اخلاقی است را برنمی‌تابد و در واقع یک دشمن است و نه یک رقیب. بنابراین، هر چند که می‌توان برای مقابله با این دشمن از پشتوانه علمی موجود در زمینه دانش استراتژیک استفاده نمود اما لزوماً این دانش برای مقابله با یک دشمن در حوزه اقتصاد کافی نبوده و نیازمند نظریه‌سازی و واژه‌سازی‌هایی جدید در این حیطه است.

پس می‌توان این بحث را این گونه جمع‌بندی کرد که هر چند که جهاد اقتصادی در معنای اولیه خود تلاش فراوان در زمینه‌های اقتصادی کشور و رفع مشکلات و موانع آن در نظر گرفته می‌شود (همان طور که عمده کارشناسان و صاحب نظران پس از بیانات مقام معظم رهبری به آن اشاره کرده و راهکارهایی را ارائه نموده‌اند)، اما دقت در سخنان مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که علاوه بر این معنای اولیه، ایشان بر لزوم توجه به این دشمنان و بذل مال و جان در جهت مبارزه با این دشمنان برای اعتلای اسلام و شریعت الهی نیز تأکید نموده‌اند، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد که صرف توجه به معنای اولیه این اصطلاح نمی‌تواند هدف اصلی گوینده را بیان نموده و باعث تغییر نگاه اصولی در بین کارگزاران اقتصادی و مردم شود.

علاوه بر مواردی که تا به اینجا مطرح شد و بیشتر توجه به دشمن خارجی دارد؛ بیانات مقام معظم رهبری نشان‌دهنده توجه خاص ایشان به مسائل و مشکلات ریشه‌ای و اساسی اقتصادی داخلی نیز هست. به هر حال، در صورتی که حتی اگر دشمنی خارجی وجود نداشته باشد، مشکلات داخلی‌ای که سبب ضعف اقتصادی گردند می‌تواند تهدیدی برای امنیت ملی محسوب گردد. اقتصاد ایران در سیر تاریخی خود مشکلاتی ریشه‌ای و اساسی را همواره با خود به همراه داشته است که به ظاهر با تلاش‌های عادی نمی‌توان این مشکلات را حل نمود و نیاز به حرکتی عظیم در مقابل آن وجود دارد. بحث جهاد اقتصادی به خاطر ویژگی‌های خاص خود می‌تواند عاملی برای ایجاد این حرکت محسوب گردد. اول اینکه هنگامی که مردم خطری بزرگ را احساس نمایند و دشمنی واحد را در پیشروی فرض نمایند، توان و امکانات خود را بر علیه آن بسیج می‌نمایند. هنگامی که مردم متوجه می‌شوند که ضعف و مشکلات اقتصادی سبب این گردیده است که دشمنان راه نفوذی برای انحراف انقلاب پیدا نمایند و یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای مقابله با دشمنان حل مشکلات اساسی اقتصادی کشور است، آنگاه با پذیرش بیشتری حاضر به قبول سختی‌های محتمل طرح‌های بزرگ اقتصادی نظام مانند هدفمندی یارانه‌ها خواهند بود.

۲- ضرورت جهاد اقتصادی

همان طور که در قبل آمد، کلمه جهاد در بردارنده مبارزه با دشمن و تلاش و به کار گرفتن تمام توانایی و قدرت برای انجام کاری و رفع موانع موجود با بذل جان و مال است. این تعریف نشان می‌دهد که نام‌گذاری این سال به نام جهاد اقتصادی بیانگر شرایطی خاص برای کشور و فوریت و اولویت داشتن مسئله اقتصاد نسبت به همه مسائل کشور در این برهه از زمان است. برای پی بردن به ضرورت این نام‌گذاری لازم است توجه شود که اقتصاد یکی از ستون‌های اصلی امنیت ملی است و لذا به نظر می‌رسد که این حکم جهاد متضمن برنامه‌ریزی دشمن جهت ضربه زدن به اصل نظام از طریق اقتصادی است. اما چگونه می‌توان به اقتصاد یک کشور خسارت وارد کرد؟ قطعاً رقابت‌های عادی در سطح بین‌المللی که مبتنی بر علم، نوآوری و تلاش فراوان افراد و بنگاه‌های اقتصادی و حتی دولت‌ها برای کسب بازار بیشتر و سود اقتصادی است، نمی‌تواند منجر به صدور حکم جهاد شود زیرا در بین مردم و دولت‌ها این پذیرفته است که در صورتی که نتوانند در یک شرایط عادلانه با رقیبان خود رقابت کنند، بازار و سود خود را به نفع رقیب خود از دست بدهند؛ لذا، حتماً از لحاظ مقام معظم رهبری دشمنانی هستند که خارج از اخلاق و شرایط عادلانه، مد نظر ایشان، در حال تخریب اقتصاد کشور هستند. این تخریب می‌تواند به صورت جنگ مستقیم و استفاده از ابزار نظامی برای از بین بردن زیرساخت‌ها و امکانات اقتصادی کشور باشد مانند آنچه در جنگ تحمیلی اتفاق افتاد اما در شرایط فعلی مصداق عینی آن وجود ندارد، لذا این گزینه نمی‌تواند ضرورت اعلام جهاد اقتصادی را توضیح بدهد. یا اینکه می‌تواند به صورت اقداماتی خصمانه و غیرعادلانه‌ای باشد که لزوماً نیازی به ابزارهای نظامی ندارد مانند تحریم‌های اقتصادی، عدم جواز عضویت و همکاری با سازمان‌های اقتصادی و غیره. به نظر می‌رسد این گزینه از مواردی است که در بیان مقام معظم رهبری بارها و در مصادیق مختلف تکرار گردیده است. جدا از این مطالب تحولات اقتصادی سال‌های اخیر در داخل کشور نیز ضرورت توجه به این موضوع را نیز دو چندان نموده است؛ لذا در ذیل به چند نمونه از این مصادیق اشاره می‌شود.

الف) تحریم‌های اقتصادی؛ سال‌هاست که به بهانه‌های مختلف اقتصاد ایران گرفتار تحریم‌های اقتصادی متفاوتی شده است. براساس اصول و قوانین سازمان ملل کشورهایی که از قوانین بین‌المللی سرپیچی نموده و برای کشورهای دیگر تهدید محسوب شده و یا حقوق بشر را رعایت ننمایند می‌توانند محکوم به مجازات‌های مختلفی گردیده که یکی از آن‌ها تحریم‌های اقتصادی است. در

ظاهر، تحریم‌های صورت گرفته بر علیه ایران، صورتی قانونی داشته و براساس روال و قوانین مورد تأیید و حمایت اعضای سازمان ملل است. اما، بیانات رهبر معظم انقلاب و موضع‌گیری‌های ایران در قبال این تحریم‌ها حاکی از آن است که مقام معظم رهبری و مردم ایران این تحریم‌ها را هر چند ظاهری قانونی دارند اما ناعادلانه و غیرقانونی محسوب می‌کنند. مقام معظم رهبری در سخنان نوروزی خود در سال ۹۰ بیان داشتند که: «تحریم‌هایی که دشمنان ملت ایران زمینه‌سازی کردند یا آن را بر علیه ملت ایران اعمال کردند، به قصد این بود که یک ضربه‌ای بر پیشرفت کشور ما وارد کنند و آن را از این حرکت شتابنده باز بدارند». در واقع این نوع از تحریم‌ها، از لحاظ ایران این گونه توضیح داده می‌شود، که هر چند که کلیت این قوانین و اصول می‌تواند قابل پذیرش باشد اما برخی از کشورهای صاحب نفوذ از این قوانین بر ضد ایران سوءاستفاده نموده و از آن در جهت ضربه زدن به ایران استفاده می‌نمایند. در واقع به نظر ایران، اقدامی خلاف قانون از ایران که سبب اعمال چنین تحریم‌هایی گردد صورت نپذیرفته است و اقدامات انجام شده بر علیه ایران دشمنی‌ای آشکار محسوب می‌شود.

ب) حرکت بطنی اقتصاد؛ یکی از ترفندهایی که دشمن در سال‌های اخیر در مورد جمهوری اسلامی سرمایه‌گذاری کرده است، ناکارآمد جلوه دادن نظام است. در واقع آنان تلاش نموده‌اند تا نظام دینی و الگوی حکومت مردم‌سالارانه‌ی دینی را ناکارآمد جلوه دهد. با توجه به موفقیت‌های عینی که ایران بعد از انقلاب اسلامی داشته است، عملاً دشمن فضای آماده‌ای که به صورت مستقیم با اقتصاد ایران مواجه کند نداشته و در عوض تلاش کرده است تا به سراغ اذهان و ادراک مردم برود. در این شرایط دشمن با بحرانی جلوه دادن اوضاع داخلی، سعی در این دارد با بهره‌گیری از شرایط روانی و با سیاه‌نمایی، امکان استفاده و لذت بردن از مواهب موجود در مملکت را از بین ببرد و شرایط کشور را به صورتی جلوه بدهد که ایران یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای دنیا به حساب می‌آید و حداقل امکانات نیز در آن وجود ندارد. حال آنکه بررسی وضعیت اقتصادی ایران در میان کشورهای جهان گویای مطلب دیگری است. به عنوان مثال براساس جدیدترین گزارش بانک جهانی، درآمد سرانه ملی ایران با ۱۱۴۹۰ دلار (براساس قدرت خرید) در جایگاه ۴۷^{ام} (در میان ۱۳۱ کشور) و بالاتر از کشورهایی چون برزیل، چین، مصر و اندونزی قرار دارد. همچنین براساس همین منبع، کشورمان به لحاظ درآمد سرانه ملی (براساس قیمت جاری) در جایگاه ۸۶^{ام} (در میان ۱۸۱

کشور) قرار گرفته است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا وضعیت موجود اقتصادی ایران با توجه به پتانسیل‌های موجود مطلوب است؟ پاسخ به این سؤال کاملاً منفی است. باید اشاره داشت بررسی روند حرکتی اقتصاد کشور و مقایسه آن با روند مطلوب نشان از فاصله و شکافی عمیق میان این دو دارد. بررسی شرایط اقتصادی ایران نشان می‌دهد، اقتصاد ایران دچار مشکلات ساختاری نظیر «وابستگی شدید به درآمدهای نفتی» و «دولتی بودن اقتصاد» است که ایران را از دستیابی به اهداف والای خود نظیر اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بازمی‌دارد. (دستیابی به رشد اقتصادی ۵/۰٪ در سال ۱۳۸۷^۱ در مقایسه با رشد ۸ درصدی پیش‌بینی شده در برنامه چهارم توسعه گواه این موضوع است). این در حالی است که بنا بر مطالعات صورت گرفته^۲ بر روی چشم‌انداز کشورهای رقیب (همچون ترکیه و عربستان) می‌توان مشاهده نمود، در صورتی که بخواهیم فاصله میان جایگاه اقتصادی (به لحاظ حجم تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت) خود با این کشورها (به طور خاص کشور ترکیه) را جبران نموده و به جایگاه نخست دست یابیم، می‌بایست از رشد اقتصادی حداقل ۱۰/۵ درصدی برخوردار باشیم.

با عنایت به موارد ذکر شده، باید اشاره داشت که امکان رفع و از بین برداشتن مشکلات پیش روی رشد اقتصادی کشور، جز با حرکتی جهادگونه وجود ندارد و این مهم نیز ضرورت توجه به این سال و درک معنا و مفهوم واقعی آن را دوچندان می‌نماید. چرا که ادامه روند موجود می‌تواند لطمات جبران ناپذیری را بر بدنه اقتصاد کشور و جایگاه آن در میان سایر کشورهای مورد اشاره در سند چشم‌انداز وارد نماید.

ج) منطقه پارس جنوبی؛ میدان گازی پارس جنوبی، میدان مشترکی است بین ایران و قطر که قانونمندی خاصی برای برداشت از آن وجود نداشته و لذا هر کدام از دو کشور که بتوانند بیشتر از طرف مقابل برداشت نمایند، منافع بیشتری را از استحصال از این منبع به دست می‌آورند. پس در صورتی که کشور قطر سرمایه‌گذاری بیشتری در این منطقه نموده و برداشت بیشتری نماید، ظاهراً نباید ایراد خاصی از لحاظ بازار رقابت وجود داشته باشد. در واقع قطر از مزیت فناوری خود برای برداشت بیشتر استفاده می‌کند. اما بحث پارس جنوبی از لحاظ مقام معظم رهبری نوعی دشمنی آشکار با مردم ایران محسوب می‌گردد. ایشان در همین ارتباط بیان فرمودند که «در این منطقه‌ی

۱- البته طبق برخی از آمار، نرخ رشد سال ۱۳۸۷، ۱/۵ درصد نیز برآورد شده است اما تاکنون آمار رسمی در این خصوص ارائه نشده است.

۲- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، دفتر برنامه‌ریزی اقتصاد کلان

معادن غنی گازی، خب ما شریکی داریم؛ حالا من نمی‌خواهم تعبیر کنم به رقیب. شما وقتی نگاه می‌کنید، می‌بینید همه‌ی کسانی که از پیشرفت ملت ایران ناراضی‌اند، آنجا در مواجهه‌ی با ملت ایران جمع شده‌اند، متراکم شده‌اند؛ آن طرف را کمک کنند و هرچه می‌توانند، در کار این طرف کارشکنی کنند». این مورد از جمله مصادیقی است که دشمن از عدم وجود قوانین عادلانه به ضرر مردم ایران استفاده نموده است و به انحاء مختلف با جلوگیری از انتقال فن آوری و سرمایه از پیشرفت ایران در این حوزه جلوگیری می‌نمایند.

۳- الزامات جهاد اقتصادی

جمع‌بندی بحث‌های گذشته نشان‌گر این است که اقتصاد ایران در شرایط فعلی در وضعیت ویژه‌ای قرار دارد و با مشکلات و معضلات مهمی که هم ریشه در موانع داخلی و هم در موانع خارجی دارد دست در گریبان است. این مهم لزوم توجه به جهاد اقتصادی و داشتن نگاهی راهبردی به حل مشکلات اقتصاد ایران را بیش از پیش نشان می‌دهد. نگاه راهبردی برای حل مسائل ایران خود مستلزم گام‌های اجرایی است که باید در تمام سطوح برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی به دقت مد نظر قرار گیرند.

در مدل‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، اولین گام این است که محدوده و حوزه فعالیت واحدها، گروه‌ها و افراد هر سازمان در برنامه‌ریزی مشخص گردیده و معلوم شود که هر کس چه وظیفه و مسئولیتی بر عهده دارد. لذا، اولین گام در جهاد اقتصادی این است که مردم متوجه شوند که اعلام جهاد صرفاً محدود به دولت نشده و بلکه همان طور که در بیانات مقام معظم رهبری به آن اشاره شده است، شامل همه مردم می‌شود و هر کسی با هر شغل و مسئولیتی را در بر می‌گیرد: «یک جمله خطاب به همه‌ی ملت ایران است و آن اینکه در این جهاد اقتصادی همه شریکند ... شما حتی سر یک کلاس، یک معلم هم که باشید، می‌توانید در این جهاد اقتصادی سهیم باشید؛ این فرهنگ را به این جوان، به این نیروی انسانی فردا تعلیم می‌دهید؛ این می‌شود جهاد اقتصادی. در هر بخشی که باشید، می‌توانید در این جهاد سهیم باشید» و «همه هم مسئولند».

در راستای فراگیر نمودن این حرکت آنچه که اهمیت خود را بیش از پیش نمایان می‌کند، آگاهی مردم و سازمان‌ها از وظیفه شرعی و ملی خویش در امر جهاد است. هر چند که وظیفه این آگاه‌سازی

بر عهده نظام و سیاست‌گذاران کلان کشور است، اما هر یک از سازمان‌ها و مردم باید با توجه به وظیفه اصلی خود، سعی در پیدا نمودن جایگاه خود در امر جهاد نمایند و بدانند که این امر در حد تلاش مضاعف نبوده و بلکه در این راه تا برداشتن کامل موانع و شاید تا حد بذل جان و مال باید پیش برود.^۱

نکته‌ای که در اینجا باید به آن دقت نمود این است که همان طور که رهبر انقلاب از آن به شدت نهی نموده‌اند، باید از هرگونه اقدام شعاری و تبلیغاتی صرف پرهیز نموده و تلاش شود که هرگونه اقدام اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی در بهینه‌ترین حالت خود و به دور از هزینه در تبلیغات بیهوده و بی‌ثمر و صرفاً در جهت رفع تکلیف صورت پذیرد.

گام بعدی در راستای نگاهی راهبردی به جهاد اقتصادی، توجه و شناخت اهداف اصلی در نظر گرفته شده برای این مفهوم است. در این خصوص باید اشاره داشت؛ آن چنان که مقام معظم رهبری در بیانات خود و در تبیین مفهوم جهاد بیان داشته‌اند «وقتی انسان برای اعلای کلمه حق، اعلای کلمه اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد می‌شود جهاد فی سبیل...». با این اشاره رهبری می‌توان دریافت که اعتلای نام اسلام در کنار پیشرفت‌ها و دستاوردهای معمول و متعارف در حوزه اقتصادی می‌تواند یکی از اهداف جهاد اقتصادی باشد. در کنار این هدف، معظم له با نام‌گذاری این سال به نام سال جهاد اقتصادی به دنبال راه و روشی متفاوت بر پایه اصول نظام اسلامی جهت ارائه راهکار برای عبور از موانع و مشکلات بوده‌اند؛ لذا می‌توان عنوان نمود که ایشان با نام‌گذاری جهاد اقتصادی و با توجه به شرایط ویژه اقتصادی کشور، اهدافی همچون «نشان دادن قدرت نظام اسلامی در حل مشکلات و مسائل اقتصادی» و «بر سر دست گرفتن الگوی پیشرفت یک ملت با تعالیم اسلام» را پیگیری می‌نمایند که همواره و در برهه‌های زمانی مختلف نیز بر این اهداف تاکید و توجه داشته‌اند. البته باید اشاره داشت که در بررسی الزامات مربوط به جهاد اقتصادی نکته‌ای که لازم است تا مد نظر مسئولین و سیاست‌گذاران قرار گیرد، هم راستایی و هم جهت بودن اهداف مورد اشاره برای جهاد اقتصادی با اهداف کلان و بلندمدت نظام می‌باشد و شاید بتوان این گونه استنباط نمود که نام‌گذاری این سال به عنوان سال جهاد اقتصادی در واقع به عنوان یک راهبرد اساسی تلقی می‌گردد که رهبری نظام از این

۱- در این میان شهرداری‌ها به واسطه بهره‌گیری از فضای تبلیغات در شهرها می‌توانند در تشریح و تبیین هر چه بهتر این مفهوم کمک نمایند. اما در این راه همانگونه که اشاره شد، این امر باید بدور از تبلیغات بیهوده و اقدامات شعاری بوده و صرفاً باید در جهت تشریح موضوع باشد.

طریق، خواهان رفع کمی و کاستی‌های موجود برای دستیابی به آن اهداف متعالی (همانند اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز بیست ساله) برآمده‌اند.

همچنین، این تعریف و تبیین از اهداف جهاد اقتصادی، مستلزم آن است که در نظریه‌پردازی‌های مربوط به حکمرانی و همچنین شناخت عوامل محرک فعالیت در سازمان‌ها و افراد اقتصادی بازنگری شده و مطابق با این نگاه جدید بازتولید شود. منظور آن که در نظریات متداول، انگیزه اصلی افراد و بنگاه‌ها از فعالیت اقتصادی، منفعت شخصی بوده و اعتقاد بر این است که در صورتی که ساختار مناسب فراهم باشد، پیگیری منافع شخصی منتج به حداکثر رفاه اجتماعی خواهد گردید. همچنین، در نظریات اقتصادی متعارف، دولت و ساختار حکمرانی در درون خود منافع شخصی افراد و گروه‌های ذی‌نفع را پی‌جویی می‌نماید و برآیند فعالیت آن، در صورتی که ساختار مناسب فراهم باشد، منتج به برطرف نمودن برخی از اشکالات نظام بازار و تولید برخی از کالاهای عمومی مورد نیاز مردم است. لذا، از نگاه اقتصاد متعارف، فعالیت‌های اقتصادی، (چه در ساختار دولت و چه در بازار) اصالتاً با انگیزه منفعت شخصی بوده و اگر بخواهیم انگیزه جدیدی تعریف نماییم نیازمند یک سری اقدامات فرهنگی و آموزشی در کنار مشوق‌ها و تنبیه‌هایی است که بتواند مردم را متقاعد به تغییر انگیزه‌های خود نماید. در این راه، تعبیر جهاد که ریشه‌ای عمیق و قوی در فرهنگ مردم ایران دارد، می‌تواند عاملی مؤثر در رفع اختلافات داخلی و همسو نمودن فعالیت‌ها باشد.

به علاوه اینکه، در واقعیت بسیار دور از ذهن می‌نماید که انگیزه‌های الهی افراد در کلیت جامعه جایگزین انگیزه‌های فردی در امر جهاد گردد، لذا سیاست‌گذاران نیز باید به دنبال راه‌حلی باشند که بتوانند پیوندی عمیق بین منافع شخصی افراد و سازمان‌های اقتصادی و امنیت ملی کشور ایجاد نمایند که بتواند عاملی محرک برای ایشان در جهت حفظ امنیت ملی ایران از طریق اعتلای امور اقتصادی گردد.

تا به اینجا، به نظر می‌رسد که دو گام اصلی برای برنامه‌ریزی راهبردی که در برگزیده‌ی توافق اولیه و شناخت اهداف می‌باشد، تا حد زیادی با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در سطح کلان اقتصاد کشور تبیین گردیده و حال زمان آن است که به سایر بخش‌های مربوط به برنامه‌ریزی راهبردی و چگونگی ارزیابی عملکرد آن پس از اجرا، جهت رفع موانع برنامه راهبردی و ارتقا آن، پرداخته شود که در ذیل به برخی از مهم‌ترین این گام‌ها اشاره می‌گردد.

۱-۳- شناخت موانع و آسیب‌شناسی اقتصاد ایران

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در جهت نگاهی راهبردی به موضوع جهاد اقتصادی می‌بایست مد نظر قرار گیرد، همانا شناسایی موانع اصلی پیشرفت اقتصادی ایران است. در واقع در صورتی که ما بخواهیم جهادی اقتصادی (به طور فراگیر) داشته باشیم؛ نیازمند آسیب‌شناسی و مانع‌شناسی در تمامی عرصه‌های اقتصادی می‌باشیم تا بتوانیم برای رفع این موانع بپا خیزیم. کارشناسان موانع اقتصادی بسیاری را برای اقتصاد ایران بر شمرده‌اند که برای شناخت کامل این موارد نیاز است تا مطالعه جامع و کاملی صورت پذیرد. اما از مهم‌ترین موانع اقتصادی کشور که خود را در رشد اقتصادی اندک، نشان می‌دهد می‌توان به رشد محدود و بسیار اندک بهره‌وری، عدم تناسب در بازار اشتغال و بیکاری بالا، ضعف سیستم‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری در حوزه اقتصادی، سهم اندک بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد کشور اشاره داشت که رهبری با نام‌گذاری امسال و همچنین فرمایشات ایشان در این خصوص، خواستار افزایش تمرکز بخش‌های مختلف کشور جهت رفع این موانع از طریق حرکت جهادی بوده‌اند. اما پیش از آنکه موانع اقتصادی کشور مورد بررسی قرار گیرد، لازم است تا به برخی از نقاط ضعف و قوت اقتصاد ملی اشاره‌ی کوتاهی گردد. چرا که بررسی و شناخت نقاط قوت و ضعف، این امکان را ایجاد می‌نماید تا راهبردهای اتخاذ شده جهت رفع موانع اقتصادی کشور، از اثربخشی بالاتری برخوردار گردد.

از دید کارشناسان، اقتصاد ایران از برخی نقاط ضعف رنج می‌برد که در طی سالیان مختلف آثار منفی بسیاری را بر اقتصاد کشور بر جای گذاشته و موجب گشته تا کشور، نتواند به جایگاه مناسب خود (با توجه به ظرفیت‌های بالقوه اقتصاد ملی) دست یابد. برخی از مهم‌ترین این نقاط ضعف که در اکثر مطالعات نیز به آن‌ها اشاره شده است عبارتند از:

- عدم وجود نظام تأمین مالی کارآمد برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های اقتصادی،
- انحصارات و ضعف رقابت،
- فساد و تبعیض حاکم بر اقتصاد،
- ضعف محیط کسب و کار،
- ضعف سیستم آموزشی،
- نظام توزیع ناکارآمد،

- ضعف در نظام تأمین اجتماعی،
- توجه ناکافی به ظرفیت‌های منطقه‌ای،
- آمایش سرزمین و ایجاد توازن منطقه‌ای،
- مشکلات فرهنگی و ضعف حاکمیت قانون،
- مشکلات مربوط به اخلاق اجتماعی،
- توجه ناکافی به محیط زیست و توسعه پایدار و ضعف در سرمایه انسانی و اجتماعی،

می‌باشد.

در مقابل، کارشناسان نقاط قوت مهمی را نیز برای اقتصاد ایران برشمرده‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- ساختار جوان جامعه،
 - دسترسی به منابع طبیعی فراوان مانند نفت، گاز و سایر مواد معدنی،
 - ویژگی‌های ژئوپلیتیک ایران در منطقه،
 - ویژگی‌ها و تنوع اقلیمی در ایران،
 - پتانسیل‌های فراوان گردشگری به لحاظ وجود پیشینه غنی تاریخی،
 - جاذبه‌های طبیعی و پشتوانه فرهنگی اسلامی - ایرانی مردم.
- علاوه بر بررسی نقاط ضعف و قوت اقتصاد ملی، شناخت تهدیدات و فرصت‌های موجود در اقتصاد ایران نیز امری ضروری است. به باور کارشناسان، یکی از مهم‌ترین تهدیدات موجود برای اقتصاد ایران، بحث تحریم اقتصادی است. (که در صورتی که راهبردی مناسب علیه آن اتخاذ نشود می‌تواند خسارات جبران ناپذیری بر اقتصاد ایران داشته باشد). علاوه بر موضوع تحریم‌های اقتصادی، عوامل دیگری نیز به عنوان موارد تهدیدکننده توسط کارشناسان مورد اشاره قرار می‌گیرند که برخی از این عوامل عبارتند از:

- سیاست‌های خصمانه برخی از کشورها علیه ایران،
- اختلافات دینی - فرهنگی - سیاسی موجود با برخی از گروهک‌های تروریستی در کشورهای اطراف ایران که سبب کاهش امنیت اقتصادی در ایران می‌گردد،
- بحران‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی،

- تغییرات اقلیمی و گسترش بیماری‌های همه‌گیر،

برخی دیگر از این تهدیدات محسوب می‌گردند.

از سوی دیگر، در مقابل این تهدیدها، می‌توان به برخی از فرصت‌های موجود برای ایران در عرصه بین‌المللی نیز اشاره نمود که عبارتند از:

- وجود کشورهای اسلامی یا کشورهایی در منطقه که از لحاظ فرهنگی به ایران نزدیک هستند،
- ایجاد قدرت‌های اقتصادی جدید در جهان و تمرکززدایی قدرت اقتصادی در جهان،
- امکان انتقال آسان‌تر تکنولوژی‌های جدید،
- و آموزش نیروی انسانی.

در تبیین این تهدیدات و فرصت‌ها، به طور خاص، باید توجه خاصی به راهبردها و عملکردهای کشورهایی که رفتاری خصمانه با ایران دارند داشت و فرصت‌ها و تهدیداتی که از جانب آن‌ها برای کشور ما وجود دارد با دقت بیشتر مد نظر گرفت.

نکته مهمی که باید در اینجا به آن توجه داشت این است که فرض اولیه شناخت دشمن، اعتقاد به وجود آن است. این که آیا در واقع دشمنی بر علیه ایران وجود دارد، فرضیه‌ای است که به ظاهر همچنان برای عده‌ای نیاز به اثبات دارد. همان طور که در قبل آمد، برخی از مردم می‌توانند بر این اعتقاد باشند که در واقع دشمنی در مقابل ایران وجود نداشته و شرایط به صورت رقابت بین‌المللی است و علت شکست‌ها و عقب‌ماندگی‌های ما نه لزوماً دشمنی بلکه ناتوانی در رقابت فضای بین‌المللی است. علت وجود دشمن از دیدگاه مقام معظم رهبری به اختصار در قسمت قبلی بیان گردید، اما در این جا باید به این نکته دوباره دقت نمود که در صورتی که بخواهیم به توافقی اولیه در امر جهاد و بسیج نیروها دست یابیم، لازم است که کار فرهنگی و آموزشی لازم در جهت اقناع افکار عمومی صورت پذیرفته و به صرف بیانات مقام معظم رهبری اکتفا نگردد.

نکته بعدی این است که باید توجه داشت که حالت جهاد با دشمن یک حالت حدی بوده و لزوماً یک امر مطلوب در بلندمدت محسوب نمی‌گردد و در صورتی که اصل مشکل برطرف گردید، الزام جهاد نیز خود به خود مرتفع می‌گردد. در واقع، باید توجه نمود که نباید مفهوم جهاد را به کل کشورهای جهان تعمیم داد بلکه یکی از اساسی‌ترین اقدامات، شناسایی دشمنان (یعنی کسانی که تنها راه مقابله با آن‌ها جهاد است) و تفکیک آن‌ها از دوستان و رقیبان است. در حال حاضر کشورهای

زیادی هستند که در شرایط رقابت عادی در حال رقابت با ما در عرصه بین‌المللی هستند. تعامل با این کشورها نه تنها زیان‌بار نبوده، بلکه اگر به درستی به آن نگاه شود می‌تواند باعث پویایی و پیشرفت در کشور ما شود. لذا، راهبردهایی که در قبال دشمنان باید اتخاذ شود، لزوماً با راهبردهای کشورهای رقیب نباید یکسان باشد چون در غیراین صورت می‌تواند سبب این شود که در یک بازه زمانی بلندمدت باعث بیش از پیش منزوی شدن کشور در عرصه بین‌المللی گردیده و محدوده دشمنان را تنگ‌تر نماید. همان‌طور که گفته شد شرایط جهاد یک شرایط ویژه بوده و راهبرد اصلی کشور نه جنگ اقتصادی بلکه تعامل سازنده با دنیا و براساس معیار عزت، حکمت و مصلحت است که مورد تأیید رهبری نیز می‌باشد.

اکنون پس از اشاره‌ای مختصر به نقاط قوت و ضعف اقتصاد ملی و همچنین تهدیدها و فرصت‌هایی که کشورمان در حال حاضر با آن‌ها روبروست، لازم است تا به مهم‌ترین موانع پیش روی اقتصاد ایران توجه نماییم؛ لذا در ادامه به برخی از مهم‌ترین موانع و مشکلات اقتصاد ایران اشاره خواهیم داشت.

۱-۱-۳- برخی از موانع و مشکلات اقتصاد ایران

با نگاه به سیر تاریخی و وقایعی که در چارچوب اقتصاد ملی کشورمان رخ داده‌اند می‌توان بیان نمود که برخی مسائل و عوامل همواره این حوزه را تحت تأثیر خود قرار داده و سبب گشته‌اند تا کشورمان نتواند از ظرفیت‌های بالقوه خود به نحو شایسته استفاده نماید. این در حالی است که مطالعات و بررسی‌های فراوانی نیز در همین ارتباط صورت پذیرفته و عمده‌ی این مطالعات نیز با تأکید بر روی برخی عوامل و موانع، راهکارهایی را نیز مطرح نموده‌اند. اما علی‌رغم ارائه راه‌حل‌هایی جهت برطرف نمودن و یا تخفیف موانع مورد اشاره، کماکان این موانع آثار سوء خود را بر اقتصاد ملی، تحمیل می‌نمایند؛ لذا این انتظار می‌رود که در سال جهاد اقتصادی، زمینه لازم برای رفع موانع موجود از طریق اقدام جهادی در کلیه بخش‌های اقتصادی کشور فراهم گردد. با عنایت به این مطالب، در ادامه، برخی از مهم‌ترین موانع اصلی اقتصادی کشور که در اغلب مطالعات به آن‌ها تأکید شده، ارائه گردیده‌اند.

(۱) وابستگی اقتصاد به نفت و سایر منابع طبیعی؛ وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمدهای منابع طبیعی و به طور خاص نفت و گاز، یکی از ساختاری‌ترین و مهم‌ترین موانع توسعه در اقتصاد ایران محسوب می‌شود. به طوری که در سال ۱۳۹۰ میزان این وابستگی (با احتساب درآمدهای

حاصل از صادرات نفت خام و برداشت از حساب ذخیره ارزی) به رقم ۴۳ درصد بالغ گشته است که نسبت به سال گذشته ۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد.^۱ این مانع بزرگ از طرق گوناگون بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشته است که شناخت این روش‌ها، می‌تواند درکی عمیق از چگونگی تأثیر مخرب وابستگی به درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران ایجاد نماید.

در اینجا باید اشاره داشت، مواهب طبیعی و خدادادی، منابع رایگانی در اختیار مردم و دولت‌ها هستند که بی‌تردید به خودی خود تهدیدی برای هیچ کشوری محسوب نمی‌شوند و در واقع یک فرصت می‌باشند؛ اما شواهد مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد اغلب کشورهای که از منابع طبیعی بیشتری برخوردار بوده‌اند، از رشد و توسعه کمتری برخوردار هستند. علت این پدیده، که در ادبیات اقتصادی با نام «بلای منابع»^۲ شناخته می‌شود، یکی از سوالات مهمی است که سال‌هاست اندیشمندان اقتصادی را به خود مشغول نموده است. به طور خاص، اثرات مربوط به درآمدهای نفت و گاز در رشد و توسعه کشورهای مختلف جزو چالش برانگیزترین مسائل در این زمینه است. تجربه کشورهایی مانند نروژ دلیل محکمی برای رد این فرضیه است که فراوانی منابع طبیعی (و به طور خاص درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز) صرفاً عامل ایجاد چنین پدیده‌ای بوده است؛ لذا اندیشمندان اقتصادی دلایل دیگری را برای توضیح این پدیده ارائه نموده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم داشت.

• **بیماری هلندی؛** اصطلاح بیماری هلندی اولین بار برای توضیح پدیده‌ای که در هلند مشاهده شد، مورد استفاده قرار گرفت و این پدیده زمانی اتفاق افتاد که استخراج گاز طبیعی از دریای شمال شروع شد. در عمل بهره‌برداری از منابع طبیعی این کشور با کاهش تولید در سایر بخش‌های اقتصادی و همچنین انتقال نیروی کار و امکانات تولید از بخش صنعتی به بخش‌های دیگر مثل خدمات اداری و ساختمان‌سازی همراه شد که علت آن ورود مقادیر متناهی ارزش به دلیل افزایش درآمد حاصل از فروش گاز طبیعی بود. این مسئله موجب تقویت پول ملی هلند شده و در نتیجه قیمت نسبی کالاهای قابل تجارت را نسبت به کالاهای غیرقابل تجارت (مثل مسکن) در این کشور کاهش داد، (چرا که با تقویت پول ملی (کاهش نرخ ارز) عملاً تقاضا و توان صادراتی کشور در بخش کالاهای قابل تجارت کاهش می‌یابد).

۱- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اسفند ۱۳۸۹

به طریق مشابه این پدیده در مورد کشورهای صادرکننده نفت نیز رخ داده است و سبب گشته تا با تقویت پول ملی این کشورها، قدرت بخش صادراتی اقتصاد کاسته شده و در عمل منابع تولید (سرمایه و کار) روانه بخش‌های منابع طبیعی و غیرصادراتی اقتصاد گردد. از سوی دیگر با تقویت پول ملی، قیمت نسبی کالاهای وارداتی کاهش می‌یابد و در نتیجه واردات افزایش می‌یابد. این افزایش در واردات نیز در نهایت، سبب کاهش تولید انواع کالاهای داخلی مشابه می‌شود و در مجموع می‌توان بیان نمود، وجود این عوامل در کنار هم، باعث بروز پدیده «صنعت‌زدایی» می‌شود.

موضوع بیماری هلندی در ایران نیز توسط محققان مختلف مورد بررسی قرار گرفته است (بختیاری و حق، ۱۳۸۰ و طبری ۱۳۷۲) و مهم‌ترین نتیجه‌ای که این تحقیقات به آن دست یافته‌اند این بوده که بیماری هلندی در ایران خود را بیشتر به صورت یک پدیده «ضد کشاورزی» نشان داده است. چرا که صادرات بخش صنعتی در ایران قابل توجه نیست و عملاً این پدیده، تأثیر زیادی بر آن نداشته است. هر چند که ممکن است مانعی جدی برای ورود بخش صنعت به امر صادرات شده باشد.

- **نوسانات درآمدهای نفت، گاز و مواد معدنی؛** در کنار وابستگی به درآمدهای نفتی، نوسانات این درآمدها نیز بر شرایط اقتصادی بسیار تأثیرگذار است. بررسی‌ها نشان می‌دهد درآمد نفت، گاز و مواد معدنی، به خصوص به دلیل نوسانات شدید قیمت‌ها در دوره نسبتاً کوتاهی از زمان، بسیار پر نوسان هستند. این نوسانات درآمد، اجرای سیاست‌های مالی احتیاطی را مشکل نموده و باعث افزایش نااطمینانی سرمایه‌گذاران می‌شود، تا جایی که یافته‌های علمی نشان می‌دهند (گیلفاسن و همکاران، ۱۹۹۹) که سطح سرمایه‌گذاری داخلی دارای رابطه‌ی عکس با میزان وابستگی به صادرات کالاهای اولیه می‌باشد. بدین معنی که هر چه سطح وابستگی به درآمد ناشی از صدور کالاهای اولیه در یک کشور بالاتر باشد، میزان سرمایه‌گذاری در کشور مورد نظر کاهش می‌یابد. در مورد خاص ایران نیز تحقیقات صورت گرفته (درگاهی و قدیری، ۱۳۸۲) نشان می‌دهد که وابستگی به درآمدهای نفتی امکان تحقق رشد اقتصادی پایدار و بالا را فراهم نکرده و ادوار تجاری اقتصاد ایران را تحت تأثیر شوک‌های خارجی ارز (حاصل از صادرات نفت) شکل می‌دهد؛ لذا به علت ماهیت برون‌زای این عامل که سبب ایجاد نوسانات کوتاه‌مدت در تولید می‌شود، رشد بالای بلندمدت حاصل نمی‌شود.

• **تأثیرات نهادی؛** بحث اصلی در این حوزه این است که درآمدهای عظیم ناشی از منابع طبیعی می‌تواند ماهیت دولت را تغییر دهد. در واقع فراوانی منابع طبیعی می‌تواند باعث تشدید فساد، تنازع و بی‌ثباتی سیاسی شود که موانعی جدی در مسیر توسعه محسوب می‌شوند. اینکه چگونه این پدیده در طول تاریخ تحول و توسعه یک کشور شکل می‌گیرد، بحث مفصلی است که در این گزارش نمی‌توان به آن پرداخت. اما به طور خلاصه، در اینجا به چند عامل اصلی که در تحقیقات صورت گرفته بیان شده‌اند، اشاره می‌شود.

(الف) یکی از مهم‌ترین توضیحاتی که برای این پدیده ارائه شده این است که در کشورهایی که از منابع طبیعی بالایی برخوردار بوده‌اند، نیاز دولت‌ها به درآمد، (در فرآیند انتقال از نظام کشاورزی-محور به صنعتی شدن) نهادهایی را پرورش داده است که حامی توسعه نیستند. در این شرایط، اکثریت فقیر جامعه آسیب بیشتری از رانت‌جویی دولت خود دیده و دولت نیز به طور نسبی از سیاست‌های تجارت آزاد حمایت کمتری نموده است (که علت آن نیاز به حمایت از اقتصاد داخلی در مقابل تشدید کاهش ارزش پول به جهت افزایش‌های ناگهانی درآمدهای ناشی از منابع است). همچنین در این حالت، امکان و فضای بیشتری برای «اشتباه سیاستی» برای این کشورها وجود داشته است. زیرا عملاً دولت‌ها با محدودیت‌های مالی کمتری مواجه بوده و آزادانه‌تر می‌توانند به اعمال سیاست بپردازند.

(ب) رانت‌جویی: یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی که باعث ایجاد این پدیده می‌شود بحث «رانت‌جویی» و «دولت رانتیر» است. درآمدهای منابع طبیعی و حق‌الامتیازهای مربوط به آن بسیار سهل‌الوصول‌تر و عظیم‌تر از درآمد سایر صنایع است. این صرفاً به این دلیل نیست که این نوع درآمدها متمرکز بوده و در صنایع مختلف پراکنده نگردیده است، بلکه بیشتر به این دلیل است دولت به جای بخش خصوصی، بخش عظیمی از این گونه درآمدهای متمرکز را کنترل می‌نماید. این امر، انگیزه فعالیت‌های مولد در جامعه و انگیزه فعالیت‌های سودمند در دولت را تغییر می‌دهد. در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان، بازده انتظاری فعالیت‌های رانت‌جویانه بالا بوده و هزینه فرصت چنین فعالیت‌هایی پایین است. در نتیجه، مردم برای کنترل این منابع و درآمدهای مربوط به آن، با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. نتیجه این هزینه‌های غیرمولد سرمایه انسانی، چیزی جز فساد نیست؛ فساد که کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش بی‌ثباتی و رشد پایین‌تر را به دنبال دارد (لیت و ویدمن، ۲۰۰۲). همچنین، رانت‌جویی و نتایج حاصل از آن ارتباطی تنگاتنگ با بحث نوآوری و علل پایین بودن آن دارد. بازده بالای رانت‌جویی در کشورهای

دارای منابع طبیعی فراوان سبب می‌شود که منابع کارآفرینی از تولید خارج و به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق پیدا نماید (مهلوم و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین، فعالیت‌های رانت‌جویانه صرفاً سبب این نمی‌شود که دولت‌مردان درآمدهای حاصل از منابع طبیعی که باید صرف بیشینه کردن رفاه اجتماعی شود را اسراف نموده و یا به باطل هزینه نمایند، بلکه همچنین سبب می‌شود که هزینه‌های مالی و زمانی جستجوی رانت افزایش یافته که به معنی کاهش زمان و انرژی برای فعالیت‌های مولد است. نتیجه آن که انباشت سرمایه انسانی و پایه‌های مالیاتی در طی این فرآیند کاهش می‌یابند، که علت آن، هدایت منابع به سمت فعالیت‌های غیرمولد و غیرکارا است که عملاً امکان مالیات‌بندی بر آن‌ها نیز وجود ندارد. یکی از پیچیده‌ترین مشکلاتی که در زمینه مبارزه با رانت‌جویی وجود دارد این است که اگر با رانت‌جویی به صورت ریشه‌ای یعنی از طریق توجه به عوامل اصلی ایجاد آن که یکی از مهمترین‌های آن‌ها درآمدهای ناشی از منابع طبیعی است، مبارزه نشود، عکس‌العمل‌های صرفاً قضایی و تنبیهی دولت حتی می‌تواند باعث تشدید آن شود، زیرا این عکس‌العمل‌ها نمی‌تواند علل وجودی رانت را تضعیف نموده و در عوض سبب ایجاد انگیزه برای «کارآفرینان شده که فعالیت‌های رانت‌جویانه خود را تخصصی نمایند» (مهلوم و همکاران، ۲۰۰۵).

ج) تنازع و کشمکش: تحقیقات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهند که احتمال وقوع جنگ‌های داخلی نیز با وابستگی به کالاهای اولیه افزایش می‌یابد (راس، ۲۰۰۳). دو عامل اصلی برای این موضوع عنوان شده است. عامل اول مربوط به تنازعی است که برای کسب این منابع درآمدی سهل‌الوصول در کشورها وجود دارد. اما عامل دوم که بسیار پراهمیت است افزایش انتظارات عمومی هم‌زمان با افزایش درآمدهای منابع طبیعی است. اگر برخی از زیرگروه‌های اجتماعی به این جمع‌بندی برسند که حق آن‌ها از این افزایش ثروت ضایع شده است، صرف نظر از این که آیا واقعاً حق جانب آن‌ها است یا خیر، می‌توانند زمینه ساز افزایش بی‌ثباتی سیاسی گردند.

د) فساد: تا وقتی که چنین تصور شود که مدیریت ناصحیح درآمدها اغلب به خاطر اشتباهات یا طمع‌ورزی‌های ساده اتفاق می‌افتد، این نوع نگرش، علاوه بر این که دقیق نیست، چیز مفیدی هم در اختیار ما قرار نمی‌دهد که بتوان مبتنی بر آن، گزینه‌های سیاستی کارآمدی برای اصلاح این معضل مدیریت درآمد ارائه نماییم. انگیزه‌های واقعی‌ای که در پس این نوع مدیریت منابع طبیعی پنهان شده، بسیار پیچیده‌تر و عمیق‌تر از تصور اولیه و ساده‌انگارانه ماست. به طور نمونه، فساد نهادهایی که

ماهیتاً برای مقابله با فساد ایجاد شده‌اند منجر به فضایی می‌شود که در آن عملاً ابزار مناسبی برای مقابله با فساد وجود ندارد؛ لذا برخی مدیران دولتی که دچار فساد بوده و از درآمدهای منابع طبیعی منتفع هستند (که این انتفاع می‌تواند صرفاً جنبه درآمدی نداشته بلکه حفظ جایگاه و قدرت خود یا گروه ذی‌نفع خود را نیز شامل می‌شود)، هر چند در ظاهر برای عوام‌فریبی از برخی از ابزارهای مبارزه با فساد حمایت می‌کنند اما به طور پنهان در جهت تخریب هر چه بیشتر نهادهای مسئول تلاش می‌کنند که این اتفاق، نتیجه ناکارآمدی همان ابزارهاست.

در برخی از موارد، منابع طبیعی خود عامل اصلی ایجاد موج فساد است. در این موارد، دولت نقشی بزرگ و مستقیم در عملکرد اقتصادی داشته و ورای مدیریت منابع، محیطی انحصاری ایجاد نموده است. محیطی که در آن اطلاعات ناقص و نهادهای ضعیف جواب‌گویی دولت‌مردان را کاهش داده و در عوض اعمال نظر شخصی آن‌ها در نوع مدیریت درآمدهای منابع را نافذتر نموده است. به علاوه، با توجه به این که در صورت ورود شرکتی چندملیتی به عرصه صنایع استخراجی این گونه کشورها، این شرکت‌ها می‌توانند رانت‌های انحصاری قابل توجهی به دست آورند و با توجه به این که ماهیت قراردادهای مربوط به بخش استخراجی و رقم آن‌ها به نظر و سلیقه دولت‌مردان نیز ارتباط دارد، لذا در صورتی که دولت‌مردان این کشورها از شرکت‌های چندملیتی تقاضای رشوه یا پرداخت‌های غیرشفاف و فاسد نمایند، این شرکت‌ها با کمال میل می‌پذیرند. این امر منجر به ایجاد نوع خاصی از فساد به نام فساد «دسیسه‌آمیز» می‌گردد که به سختی می‌توان آن را از بین برد زیرا احزاب اصلی و صاحبان قدرت این گونه کشورها خود از این گونه فساد نفع برده و لذا از آن حمایت می‌کنند.

ه) کاهش پاسخ‌گویی: پاسخ‌گویی یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که سلامت و کارآمدی دولت‌ها با آن سنجیده می‌شود. هر چه پاسخ‌گویی دولت افزایش یابد، حاکمی از افزایش شفافیت عملکرد دولت و لذا کاهش فساد، رانت‌جویی و سیاست‌های غلط است. وجود اطلاعات برای دستیابی به پاسخ‌گویی حیاتی است. برخلاف صنایعی که از تنوع برخوردارند و مردم بسیاری درگیر این صنایع و مدیریت جریان‌های مالی و درآمدی آن‌ها هستند، در بخش نفت و گاز و مواد معدنی جریان درآمدی متمرکز بیان‌گر این واقعیت است که تنها تعدادی اندک اطلاعات مربوط به میزان جریان‌های مالی این بخش را در اختیار دارند و لذا می‌توان گفت؛ بخش منابع طبیعی ماهیتاً باعث ایجاد اطلاعات ناقص می‌گردد. این مسئله وقتی حادتر می‌شود که شرکت‌های دولتی این درآمدها را کنترل نمایند. زیرا در این حالت، مجال کمتری برای عموم وجود دارد که مصرف این منابع جهت پیگیری

اهداف سیاسی یا از پیش تعیین شده گروهی یا حزبی را محدود نموده و این منابع را به سمت تولید کالاهای عمومی سوق دهند. به علاوه، به خوبی مشخص نخواهد بود که دولت به چه روشی و برای چه کسانی حمایت‌های مالی خود را توزیع خواهد نمود؛ توزیعی که نابرابر بوده و هیچ‌گونه پاسخ‌گویی هم در قبال آن وجود ندارد. همچنین، توان بالای مالی این دولت‌ها و عدم وجود محدودیت‌های مالی خاص برای آن‌ها، سبب می‌شود که این دولت‌ها بتوانند به راحتی بسیاری از اثرات بد و رنج‌آور سیاست‌های غلط خود را بپوشانند.

و) کاهش مالیات: منابع مالی مستقل از مالیات می‌تواند عوامل اتصال‌دهنده دولت و مردم را تضعیف نماید. این کار از دو راه انجام می‌پذیرد: اول اینکه دولت نیاز کمتری به مردم خواهد داشت؛ زیرا دولت درآمد خود را مستقیماً از بخش درآمدهای نفت، گاز و مواد معدنی تأمین می‌نماید. دوم اینکه مالیات کمتر، انگیزه‌های مردم برای پاسخ‌گو نمودن دولت و تولید کالاهای عمومی را کاهش می‌دهد. مردم انگیزه‌ای ندارند تا اطمینان حاصل نمایند که پولی که مال آن‌هاست ولی در اختیار دولت قرار دارد به خوبی هزینه شود، زیرا مردم لزوماً نمی‌توانند درک خوبی از میزان هزینه‌کردهای دولت داشته باشند.

برای مقابله با این مشکلات و معضلات راه‌حل‌های مختلفی ارائه شده است که تنوع بخشی فعالیت‌های اقتصادی و خروج از اقتصاد تک محصولی، خصوصی‌سازی، حساب و صندوق ذخایر ارزی، پرداخت مستقیم درآمدهای حاصل از نفت و گاز و مواد معدنی به مردم، ورود به بازارهای ریسک نفت و تلاش برای افزایش شفافیت از جمله مهم‌ترین اقداماتی محسوب می‌شوند که در کشورهای مختلف از جمله ایران پیگیری می‌شوند که هر یک نقاط ضعف و قوت خاص خود را دارد که در این گزارش مجالی برای توضیح کامل آن‌ها وجود ندارد.^۱

(۲) حجم بالای دولت؛ امروزه تقریباً عمده کارشناسان اقتصادی معتقدند، اقتصاد ایران از مالکیت گسترده دولتی و ساختار انحصاری بازار، متحمل لطمه‌های فراوانی شده است. آمارها حاکی از آن است که نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی در دوره ۱۳۸۸-۱۳۸۰ روندی صعودی

۱- باید اشاره داشت وابستگی اقتصاد ایران به نفت طی سالیان گذشته، سبب شده برخی از موارد مطرح شده در این بخش در اقتصاد ملی دیده شود، هرچند که میان کشورهای مختلف، این اثرات متفاوت است.

داشته و به طور متوسط در حدود ۸۰ درصد از آن را شامل گردیده است.^۱ این آمار به خوبی بزرگی دولت در ایران را نشان داده و روشن می‌سازد که وقتی بیش از ۸۰-۹۰ درصد از ارزش افزوده تولید ناخالص داخلی در سال‌های مذکور در اختیار دولت قرار داشته است.^۲ بخش خصوصی توان شکوفایی نخواهد داشت. برای توضیح اینکه چگونه حجم بالای دولت در ایران مانعی مهم در رشد و توسعه اقتصادی و بهبود کارایی و بهره‌وری محسوب می‌شود، ابتدا لازم است که نگاهی گذرا به ادبیات اقتصادی موجود در این زمینه داشته باشیم.

در طول تاریخ همواره بین مکاتب مختلف اقتصاد، بحث بر سر میزان مداخله دولت در اقتصاد از چالش‌های اساسی به شمار آمده است. دولت از جمله نهادهای اقتصادی است که مداخله و یا عدم مداخله آن در اقتصاد تأثیر به سزایی بر کیفیت زندگی افراد جامعه می‌گذارد. به طوری که تعیین حدود دخالت دولت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی مهم‌ترین مسئله ای است که از بدو شکل‌گیری اندیشه اقتصادی مدرن، پیش روی نظریه پردازان اقتصادی قرار داشته است. به راستی که آیا این دخالت مضر است یا نه؟

به طور کلی دو نگرش خاص از حضور دولت در اقتصاد وجود دارد: نگرش دولت حداقلی و نگرش حضور گسترده دولت. در نگرش دولت حداقل که منشا آن مکاتب فیزیوکرات و کلاسیک است، دخالت دولت را مداخله رایانه و محدودکننده آزادی و انتخاب به حساب آورده و آن را عامل غیرکارآمد و رانتی شدن دولت قلمداد می‌کنند. موافقین کوچک شدن اندازه دولت بر این باورند که اندازه بزرگ‌تر دولت مانع رشد اقتصادی است، زیرا فعالیت‌های اقتصادی دولت با عدم کارایی همراه می‌باشد و بخش غیردولتی در انجام وظایف بهتر از بخش دولتی عمل می‌نماید.

طرفداران حضور گسترده دولت در اقتصاد به نقش دولت در زمینه ایجاد و تکمیل زیرساخت‌های اقتصادی - اجتماعی، تأمین امنیت اقتصادی، محافظت و نگهداری از محیط زیست، بهبود و پیشرفت تکنولوژی، گسترش آموزش و پرورش (سرمایه‌های انسانی) و غیره اشاره کرده و خواستار افزایش مخارج دولت برای تحقق هر چه بیشتر رشد اقتصادی می‌باشند. به عبارتی سرمایه گذاری دولت در امور زیربنایی و آموزش می‌تواند رشد و اشتغال را در بلند مدت افزایش دهد. طرفداران این دیدگاه بر

۱- مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶

۲- (در سال ۱۳۸۴ نسبت بودجه کل کشور به GDP به بالاترین حد اکثر مقدار خود معادل ۹۳/۸ درصد رسید (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶))

این باورند که مخارج عمومی دولت، سرمایه‌گذاری خصوصی را تشویق و به تبع آن رشد اقتصادی را تسریع می‌کند.

اما در این میان، در ادبیات اقتصادی، آنچه که به عنوان الگوی حاکم پذیرفته شده، ساختاری ترکیبی از مشارکت توأمان دولت و بازار است. در چنین الگویی دولت‌ها با ایجاد زیرساخت‌ها، بسترها و نهادهای لازم، زمینه را برای شکوفایی بخش خصوصی و تصدی‌گری بیشتر مردم بر مناسبات اقتصادی فراهم می‌کنند. امروزه، دولت‌ها در نظام‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی، بیشتر سیاست‌گذاری و جهت‌گیری کلان ملی و منطقه‌ای را بر عهده دارند و تلاش می‌کنند که از بخش خصوصی به عنوان مجری استفاده کنند تا به رشد اقتصادی نایل گردند.

پهنه اقتصاد جهانی امروزه، دولت فربه را بر نمی‌تابد. مناسبات پیچیده و متنوع در مقوله‌های مدیریت، تجارت، اقتصاد، جذب سرمایه خارجی و فناوری جدید، امکان آمیختگی با اقتصاد بین‌الملل و غیره بر تقویت «دولت ناظر» و کاهش نقش «دولت مجری» استوار است. توسعه اقتصادی و به دنبال آن افزایش سطح عمومی معاش جامعه، در سایه‌ی یک دولت مقتدر در اعمال نظارت، دست یافتنی است و صرفاً در این صورت است که خواسته‌های آحاد جامعه ارتقا و تعالی می‌یابد و ارزش‌هایی را که نظام در پی استقرار و توسعه آن است نهادینه می‌شود.

اما مهم‌ترین موانع و مشکلاتی که دولت برای اقتصاد ایجاد می‌کند چیستند؟ عدم کارایی یکی از اصلی‌ترین عوارض حجم بالای دولت است. بخش دولتی به دلیل عدم نظارت و مکانیسم‌های غیرانگیزشی دچار عدم کارایی در تخصیص منابع است که این مسئله شدیداً سبب اتلاف منابع می‌گردد. مسلماً اتلاف عوامل تولید توسط دولت، سبب محدودیت منابع برای بخش خصوصی می‌شود که در بلندمدت بر رشد اقتصادی، توزیع درآمد، فقر تأثیر به سزایی می‌گذارد.

مسئله بعدی در تصدی‌گری بالای دولت، کاهش رقابت در بازارهای اقتصادی است. هر چه دخالت دولت در بازارها بیشتر باشد و قیمت‌ها به طور دستوری دست‌خوش تغییر شوند، مکانیسم بازار دچار خلل می‌شود و رقابت در بازارها کاهش می‌یابد. کاهش رقابت نیز انگیزه بخش خصوصی را کاهش می‌دهد که سبب کاهش تولید ملی و رشد اقتصادی می‌گردد.

ایجاد انحصار در بازارها از دیگر مضرات دخالت بیش از اندازه دولت است. وجود انحصارات، زمینه را برای فساد و رانت‌جویی افزایش می‌دهد و اقتصاد ناسالم را ترویج می‌دهد. همچنین وجود انحصار در منابع کشور سبب ائتلاف منابع و عدم تخصیص بهینه منابع می‌شود.

متأسفانه باید بیان داشت بررسی شرایط اقتصادی ایران و جایگاه دولت در آن نشان می‌دهد عمده موانع و مشکلاتی که ادبیات اقتصادی برای بزرگی دولت در اقتصاد بیان نموده است، در ایران به روشنی قابل مشاهده است. بزرگ بودن دولت در اقتصاد ایران ریشه‌ای تاریخی دارد که درآمدهای نفتی نقش مهمی در این زمینه داشته است. این درآمدها که جزو درآمدهای دولت محسوب می‌شود، از قبل از پیروزی انقلاب و به طور خاص از دهه ۵۰ به بعد، به شدت اندازه دولت در اقتصاد را افزایش داد. دولت نیز با بهره‌برداری از این منابع شروع به ایجاد زیرساخت‌ها و صنایع مختلف نموده و عملاً به بزرگ‌ترین بازیگر اقتصادی در ایران تبدیل شد. بعد از پیروزی انقلاب نیز، با توجه به شرایط خاص مربوط به اوایل انقلاب و ایجاد این نگرش که دولت وظیفه اصلی محرومیت و استضعاف‌زدایی را بر عهده دارد. عملاً دخالت دولت در اقتصاد افزایش یافت. ۸ سال جنگ تحمیلی نیز فرصت را برای اصلاح ساختارها از دولت گرفته و با شروع تحریم‌های اقتصادی که عملاً ارتباط بخش خصوصی با دنیای خارج را محدود نمود، بخش خصوصی محدود موجود در آن دوره هم فرصت برای احیا به دست نیاورد. بعد از جنگ سیاست‌های تعدیل قدری از تصدی‌گری دولت کاهش داد ولی اثرات جانبی زیادی که این سیاست‌ها از طریق افزایش نرخ تورم و نرخ ارز داشت، عملاً نه تنها نتوانست که به اصلاح اساسی ساختار اقتصادی ایران بیانجامد، بلکه خود موانعی جدید و بزرگ برای صنعت‌گران و کشاورزان در ایران ایجاد نمود.

با این وجود، دولت‌های مختلف در ایران، تلاش‌هایی نیز جهت کوچک کردن حجم دولت و دستیابی به اندازه بهینه آن در اقتصاد ایران انجام داده‌اند که بارزترین آن‌ها فرآیند خصوصی‌سازی^۱ و عمدتاً پس از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ توسط مقام معظم رهبری بوده است. هرچند که ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ در واقع بسیاری از مشکلات قانونی خصوصی‌سازی و اصلاح ساختار اقتصادی را برطرف نموده است. اما به نظر می‌رسد که فرآیند خصوصی‌سازی در ایران همچنان دارای نواقص فراوانی بوده و از کارایی پایینی در اجرا برخوردار است. یکی از مشکلات اساسی که در اجرای سیاست

۱- خصوصی‌سازی یعنی تغییر فضای حاکم بر مؤسسات دولتی به نحوی که در عین حفظ بافت اصلی فعالیت، شرایط بازار بر نحوه اداره و فعالیت موسسه طوری تاثیر گذارد که انگیزه و مکانیسم‌های بخش خصوصی ملاک تصمیم‌گیری در موسسه مذکور قرار گیرد.

خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت در سال‌های اخیر وجود داشته، استنباط غلط از این رویکرد بوده که شدیداً از طرف محافل علمی مورد انتقاد قرار گرفته است. صرف واگذاری منابع دولتی به بخش خصوصی و عدم توجه کافی به بسترها و زیرساخت‌های لازم، تلقی اشتباهی است که تا به امروز نیز این تلقی در میان برخی دولتمردان مشاهده می‌گردد. همچنین، نحوه واگذاری‌ها معمولاً به صورتی بوده است که فقط شرکت‌هایی که از توان مالی بسیار بالا در اقتصاد ایران برخوردار بوده‌اند (که عموماً شرکت‌های دولتی و یا شبه دولتی هستند) امکان ورود به این عرصه را پیدا نموده‌اند و لذا انتظار می‌رود که این روش تأثیر قابل توجهی بر کارایی و بهره‌وری اقتصادی، کاهش فساد و رانت‌جویی و بهبود شرایط انحصاری و رقابت، آنچنان که مجریان از واگذاری‌ها به دنبال آن بوده‌اند نداشته باشد؛ لذا جا دارد امسال که سال جهاد اقتصادی نام‌گذاری شده است، مسئولین و مقامات اجرایی، ضمن آسیب‌شناسی روند طی شده در فرآیند واگذاری‌ها، سرعت دستیابی به اهداف مورد نظر در این بخش را (در کنار توجه به اولویت‌ها و اهداف در نظر گرفته شده برای امر واگذاری‌ها) شتاب بیشتری ببخشند.

۳) بهره‌وری پایین؛ اگرچه بیش از ۵ دهه از آغاز توسعه اقتصادی در ایران می‌گذرد و سرمایه‌گذاری‌های بسیاری در بخش‌های مختلف اقتصادی انجام شده است، اما در بسیاری از موارد این سرمایه‌گذاری‌ها نتایج مورد انتظار و مطلوب را در پی نداشته که یکی از اصلی‌ترین دلایل آن، عدم توجه به بهره‌وری بوده است. بهره‌وری تا حد زیادی چگونگی رقابت تولیدات کشور را در عرصه بین‌المللی، چه برای ورود به بازارهای جدید صادراتی و چه برای رقابت در مقابل کالاهای وارداتی، تعیین می‌کند. چنانچه بهره‌وری کار و سرمایه یک بنگاه در مقایسه با بهره‌وری بنگاه‌های دیگری که همان کالا را تولید می‌کنند، پایین باشد، آن بنگاه، توان رقابتی خود و نهایتاً سهم تولید و فروش خود در بازارهای داخلی و خارجی را از دست می‌دهد. این گونه از مشکلات، بهره‌وری پایین را تبدیل به یکی دیگر از اساسی‌ترین موانع توسعه اقتصادی در ایران تبدیل نموده است. به عنوان مثال، براساس آمار سازمان آسیایی بهره‌وری (APO) شاخص بهره‌وری نیروی کار در ایران از ۱/۰۹۸ در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱ شمسی)، پس از فراز و فرودهای فراوان، در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸ شمسی) به کمتر از میزان خود در حدود ۴۰ سال قبل بازگشته و برابر با ۱/۰۶۵ بوده است (سازمان آسیایی بهره‌وری، ۲۰۰۹).

در اینجا باید اشاره داشت، برای اینکه درک درستی از اهمیت بهره‌وری پایین به عنوان یکی از موانع مهم اقتصاد ایران داشته باشیم، لازم است ابتدا به این سوال پاسخ بدهیم که چرا بهره‌وری در اقتصاد مهم بوده و چگونه بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارد؟

در اکثر تعاریف علم اقتصاد، «کمیابی منابع» به عنوان قیدی اجتناب‌ناپذیر برای فعالیت‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. همواره واحدهای اقتصادی از یک طرف با عوامل تولیدی کمیاب و از طرف دیگر با نیازهای نامحدود و روزافزون مواجه می‌باشند. در چنین شرایطی مدیریت صحیح منابع در جهت حداکثرسازی منافع، امری است که ضرورت وجود و توجه به آن به شدت احساس می‌گردد.

این موضوع نیز سبب شده، استفاده حداکثری از منابع که در ادبیات اقتصادی «بهره‌وری»^۱ نامیده می‌شود، در تمام طول تاریخ دغدغه جوامع بشری و نظام‌های سیاسی اقتصادی گردد.

در دنیای امروز، گسترش سطوح رقابت، پیچیدگی‌های تکنولوژی، تنوع سلیقه، گسترش ارتباطات، کمبود منابع، دسترسی به بازارهای بین‌المللی همگی از جمله عواملی هستند که سبب شده است بنگاه‌ها و دولت‌ها چاره‌ای جز افزایش بهره‌وری در جهت کاهش هزینه‌ها و استفاده بهینه از منابع نداشته باشند.

در این میان، نیروی انسانی مهم‌ترین عامل در بهبود بهره‌وری است. روش‌هایی که جهت ارتقای بهره‌وری منابع انسانی مورد تأکید قرار می‌گیرند، عمدتاً به مواردی همچون: ارتقای توانایی‌های انسانی، ایجاد انگیزه، بهبود محیط روانی- فیزیکی برای کارکنان و به طور کلی توسعه کمی و کیفی منابع انسانی تأکید دارند. همچنین در مدیریت منابع انسانی، اصل شایسته سالاری، حکم می‌نماید که کار، باید به افراد کاردان سپرده شود. در این حالت، جوهره افزایش بهره‌وری منابع انسانی، به جای کار سخت‌تر، در کار هوشمندانه و عالمانه نمود یافته و موجب می‌گردد بهره‌وری منابع انسانی، با رشد و ارتقا همراه باشد.

از دیگر عوامل مهم در ارتقای بهره‌وری، استفاده از مناسب‌ترین و بهترین تکنولوژی در تولید است. تکنولوژی به منابع انسانی این امکان را می‌دهد که با استفاده از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای

۱- بهره‌وری معیار ارزیابی عملکرد فعالیت‌ها است که تعاریف مختلفی دارد. به طور مثال در سال ۱۹۵۰ سازمان همکاری اقتصادی اروپا بطور رسمی بهره‌وری را چنین تعریف کرده است: «بهره‌وری حاصل کسری است که از تقسیم مقدار یا ارزش محصول بر مقدار یا ارزش یکی از عوامل تولید به دست می‌آید». سازمان بین‌المللی کار نیز این گونه بهره‌وری را تعریف می‌کند: «بهره‌وری عبارتست از نسبت تولید به یکی از عوامل تولید زمین، سرمایه، نیروی کار و مدیریت». به طور کلی آنچه که مشخص است، بهره‌وری به عنوان نسبت ارزش نتایج و محصولات، به ارزش تمامی منابع صرف شده برای تولید آن‌ها در نظر گرفته می‌شود.

نوین اثربخشی و کارایی خود را افزایش دهد. تکنولوژی همچنین سبب ایجاد مدیریت کارتر و پیشرفته‌تر در بنگاه یا سازمان می‌گردد.

امروزه توجه به بهره‌وری بالای سرمایه نیز در تمامی کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه ضروری است. کشورهای صنعتی به دلیل رقابت سنگین دائماً با به روز کردن سخت‌افزار و نرم‌افزارهای تولیدی، سعی در کاهش هزینه‌ها و قیمت تمام شده محصولات خود دارند. در واقع در کشورهای توسعه یافته دغدغه تداوم استراتژی افزایش بهره‌وری وجود دارد. اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم استفاده بنگاه‌های تولیدی از تکنولوژی‌های روز و مدرن، نبود بهره‌وری مناسب و اتلاف منابع همواره مطرح بوده است. در کشورهای در حال توسعه وجود انحصارات و فراهم نشدن شرایط مناسب برای رقابت سالم باعث می‌شود که انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بخش تولیدی کاهش یابد و همین امر سبب می‌شود که این قبیل کشورها در بخش‌های اقتصادی خود، با ظرفیت‌های بلااستفاده زیادی روبرو شوند. از سوی دیگر، تخصیص غیربهبینه سرمایه به دلیل نبود توجه کافی به توجیه اقتصادی، فنی و مالی در پروژه‌های اقتصادی نیز، خود مزید بر علت است.

در حالت کلی می‌توان موانع بهره‌وری، بالاخص در کشورهای در حال توسعه را شامل: عدم شفافیت اقتصاد، انعطاف‌ناپذیری بازار کار، عدم کارایی قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار، انحراف در برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای بازار کار و مهارت‌های شغلی، عدم توسعه کمی و کیفی نیروی کار و سختی در جابجایی نیروی کار، کمبود زمینه خلاقیت، ابداع و نوآوری در بخش دولتی و خصوصی، عدم توجه کافی به شایسته سالاری در مراکز دولتی، فساد اقتصادی در مراکز دولتی دانست.

در مورد خاص ایران نیز بهره‌وری پایین ریشه در عوامل گوناگونی دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد.

- با وجود تلاش‌های فراوانی که در چند دهه گذشته برای توسعه منابع انسانی در ایران صورت گرفته، اما همچنان سطح سواد به خصوص در مناطق روستایی، به نسبت کشورهای پیشرفته، پایین‌تر بوده و همچنین نظام آموزشی کشور دارای نقص‌های فراوانی در راستای توسعه منابع انسانی دارا است.

- تمرکز درآمدهای نفتی در دولت و حجم بالای تصدی‌گری اقتصادی دولت، عامل دیگری است که سبب شده به خاطر بهره‌وری پایین فعالیت‌های دولتی، سطح بهره‌وری کل اقتصاد نیز پایین باشد.
- عدم تناسب بین تخصص افراد و مهارت مورد نیاز مشاغل: در سال‌های اخیر به دلیل روند فزاینده نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (به ویژه زنان)، نیروی کار متخصص برای رهایی از بیکاری مجبور شده است مشاغل را قبول کند که با تخصص وی هماهنگی ندارد که نتیجه آن، عدم استفاده بهینه از نیروی کار و اثربخشی کمتر بر بهره‌وری است.
- ساختار سنتی و غیررقابتی اقتصاد و عدم تمایل جدی در جذب نیروی کار متخصص: به دلیل سنتی بودن ساختار اقتصاد ایران و شرایط غیررقابتی، بنگاه‌ها تمایل چندانی به جذب نیروی کار متخصص ندارند، حال آنکه در بازارهای رقابتی، بنگاه‌ها برای بقا در بازار، درصدد بهبود مستمر بهره‌وری هستند. فراهم نمودن زمینه‌های حضور بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در این فعالیت‌ها از چالش‌های مهم در حوزه بهره‌وری است تا بتوان روش‌های تولید و ارائه خدمات در این فعالیت‌ها را متحول نموده و بهره‌وری آن را ارتقا دهند.
- به روز نبودن آموزش‌های نیروی کار و پایین بودن کیفیت آموزش‌ها: یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی مربوط به محتوای آموزش‌های ارائه شده به دانشجویان است. آموزش‌های داده شده به دانشجویان در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی براساس سرفصل‌هایی است که با شرایط جدید اقتصاد ایران و تحولات جهانی هماهنگی ندارد. به بیان دیگر، مطالبی که آموزش داده می‌شود عمدتاً متناسب با دانش روز جهان نیست، در حالی که در دهه اخیر دانش در جهان دچار تحول جدی شده است. همچنین در سال‌های اخیر با جهش در پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، امکانات آموزشی متناسب با آن رشد نکرده است. دانشگاه‌ها به لحاظ دسترسی به رایانه و اینترنت در شرایط مطلوبی به سر نمی‌برند و این مسأله تأثیر منفی بر کیفیت آموزش گذاشته است که به دنبال آن تأثیر مثبت بر بهره‌وری نیز کم و یا از اثربخشی آن کاسته خواهد شد.
- به روز نبودن دانش مدیران: با توجه به نقش و اهمیت مدیریت در دستیابی به محصول با کیفیت مناسب و توان رقابتی، ضرورت بروز کردن دانش مدیران و اطلاع آن‌ها از روش‌های

جدید مدیریتی مشخص می‌شود. بسیاری از مدیران واحدهای اقتصادی اطلاعات چندانی از روش‌های جدید مدیریتی ندارند و در نتیجه، استفاده بهینه از منابع تولید را به عمل نمی‌آورند که نتیجه آن، بهره‌وری پایین بنگاه خواهد بود.

- دسترسی دشوار به تکنولوژی‌های روز دنیا: هر چند که دسترسی به کالاهای مصرفی روز دنیا در ایران ساده به نظر می‌رسد اما به همان نسبت دسترسی به تکنولوژی‌های تولیدی و مدیریتی روز دنیا برای فعالان اقتصادی در ایران دشوار است. تحریم‌های اقتصادی، مشکلات نقدینگی شرکت‌ها، عدم دانش کافی از تکنولوژی‌های روز دنیا و عدم حضور سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی در ایران از جمله عواملی هستند که مانع از دسترسی آسان فعالان اقتصادی در ایران به تکنولوژی‌های روز دنیا شده که نتیجه آن استفاده از تکنولوژی‌هایی است که تاریخ مصرف آن در دنیا به اتمام رسیده و لذا از سطح بهره‌وری بسیار پایین‌تری برخوردار هستند.

در مجموع و در پایان این بخش می‌توان بیان داشت (همان گونه که تبیین گردید) بهره‌وری پایین در ایران ریشه در عوامل بسیاری دارد که برداشتن این مانع نیز نیازمند عزمی جدی و حرکتی جهادی است که امید است امسال که به فرمایش مقام معظم رهبری سال جهاد اقتصادی نامیده شده است، اقداماتی مؤثر و کارآمد درخصوص برداشتن این مانع اساسی اقتصاد ایران صورت پذیرد.

(۴) بیکاری مزمن؛ یکی از اساسی‌ترین مشکلات اقتصادی ایران که خود علل بسیاری از مشکلات اجتماعی در ایران محسوب می‌شود، بیکاری مزمن است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، نرخ بیکاری در ایران ظرف مدت ده سال گذشته همواره دو رقمی بوده و بین ارقام ۱۰/۳ تا ۱۴/۳ درصد نوسان داشته است، این در حالی است که متوسط نرخ بیکاری جهان در این سال‌ها حدود ۶ درصد و در کشورهای خاورمیانه حدود ۸/۵ درصد بوده است.^۱ البته نرخ حدود ۱۰ درصد فقط مختص به این دوره نبوده و حدود چهار دهه است که اقتصاد ایران با چنین سطحی از بیکاری مواجه بوده است. آمارها بیانگر آن هستند که در سال ۱۳۸۸ از بین ۲۳/۸ میلیون نفر جمعیت فعال کشور (افراد بالای ۱۰ سال که شاغل بوده و یا از قابلیت مشارکت در کار برخوردار بوده‌اند)^۲ حدود ۱۱/۹ درصد آن‌ها

۱- منبع: Global Employment Trends 2011 و مرکز آمار ایران

۲- براساس تعریف چکیده نتایج آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۸۷

توان یافتن شغل ندارند که به معنای بیکاری حدود ۲/۸ میلیون نفر از جمعیت فعال کشور بوده است. آنچه در مورد بیکاری در ایران اهمیت بالایی دارد این است که همان طور که گفته شد نرخ بیکاری بالا در ایران یک پدیده مزمن و تاریخی بوده که علل ایجاد آن را صرفاً نمی‌توان در عواملی مانند جابجایی شغلی جستجو نمود. برای درک ریشه‌های بیکاری مزمن در اقتصاد ایران لازم است که درکی صحیح از عوامل ایجاد آن نیز داشته باشیم.

مطالعات انجام شده در مورد اقتصاد ایران عوامل گوناگونی را به عنوان علل اصلی ایجاد بیکاری مزمن در ایران بیان کرده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

- شاید کلید اصلی رشد بالای بیکاری را بتوان مطابق با نظریات اقتصادی در انعطاف‌ناپذیری دستمزدها در ایران به علت وجود قراردادهای رسمی، قوانین کار، قوانین کف دستمزد و غیره جستجو نمود. هر چند که این موارد ذکر شده معمولاً در راستای بهبود وضعیت عدالت و برابری و در راستای حمایت از کارگران و اقشار کم درآمد اتخاذ می‌شود، اما یکی از آثار جانبی آن این است که اجازه نمی‌دهند که دستمزدها متناسب با وضعیت اقتصاد و صنعت تعدیل شده و همواره تمایل به افزایش نیز داشته باشد که سبب می‌شود که بنگاه‌های اقتصادی‌ای که در شرایط رکود نمی‌توانند دستمزدهای پایین‌تر پیشنهاد بدهند، ناگزیر هستند که به مرور زمان و با استقرار و تداوم وضعیت رکود به سمت سرمایه برتر شدن حرکت نمایند.
- رشد نامتوازن جمعیت عامل دیگری است که به پدیده بیکاری دامن می‌زند. سالانه ده‌ها هزار نیروی کار جدید وارد بازار کار می‌شود که به علت کمبود فرصت‌های شغلی جدید تمامی این نیروی کار جذب نمی‌شوند. در این فرایند هم افزا، هر ساله شاهد حجم بیشتری از نیروهای جویای کار می‌باشیم. در اینجا نیز، از نظر مبانی اقتصادی، رابطه مستقیمی بین رشد جمعیت و بیکاری وجود ندارد، اما باز هم در صورتی که دستمزدها انعطاف کافی نداشته باشند، رشد بالای جمعیت در صورتی که تناسبی با رشد صنعت و اقتصاد نداشته باشد، می‌تواند باعث بروز بیکاری‌های مزمن در اقتصاد شود.
- هر چند در سال‌های گذشته دولت به کارآفرینی توجه ویژه‌ای داشته ولی طرح‌های کارآفرین به میزانی نبوده است که بتواند ظرفیت‌های لازم جهت جذب بالای نیروی کار را ایجاد نماید. به علاوه اینکه، ساختار دولتی اقتصاد ایران، حجم عمده‌ای از سرمایه‌ها را به سمت صنایع سرمایه‌بر مثل نفت و گاز، فولاد و پتروشیمی و صنایع نظامی سوق داده که این امر باعث شده

که ساختار تولید ایران بیش از پیش سرمایه‌بر بوده و عملاً سرمایه کافی برای سایر صنایعی که می‌توانند نیروی کار بیشتری جذب نمایند باقی نمی‌ماند.

- از دلایل دیگری که می‌تواند زمینه ساز ایجاد بیکاری مزمن در کشور باشد، پایین بودن رشد اقتصادی کشور است. برخی برآوردها نشان می‌دهد برای جذب تمامی متقاضیانی که هر سال وارد بازار کار می‌شوند، لازم است رشد اقتصادی در حدود ۹ درصد باشد که در حال حاضر رشد اقتصادی کشور به مراتب کمتر از این است.^۱ هر چند که در نظریات اقتصادی ارتباط مستقیمی بین رشد و بیکاری وجود ندارد، اما با توجه به عدم انعطاف‌پذیری بالای دستمزدها، رشد پایین به معنای عدم توان اقتصاد و صنعت برای ایجاد شغل کافی برای همه متقاضیان است.
- عملکرد نامطلوب نظام آموزشی و ناتوانی آن در تربیت نیروهای ماهر و کارآموده عاملی دیگر در بالا بودن نرخ بیکاری در ایران است. دولت طی ۱۰ سال گذشته با هدف کنترل سیل جوانان جویای کار به بازار کار سعی کرده است تا فضاهای دانشگاهی را گسترش دهد. در نتیجه این سیاست تعداد دانشجویان ایران طی ۱۰ سال گذشته چندین برابر شده که این رقم قابل ملاحظه است. این مسئله از آن جهت که اقدامی کاملاً موقتی بوده و همچنین به موازات آن تلاشی برای افزایش کیفیت آموزش انجام نگرفته، کشور را با حجم انبوهی از تحصیل کرده‌های بیکار مواجه کرده است. نتیجه این ضعف سیستم آموزشی، به همراه نبود فرصت‌های مناسب شغلی آن شده است که در حال حاضر بسیاری از جوانان تحصیل کرده به مشاغلی غیرمرتبط روی آورده‌اند.
- پر شدن ظرفیت جذب نیرو در دستگاه‌های دولتی عامل دیگر در افزایش بیکاری است. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه پس از پایان جنگ، افزایش تعداد حقوق‌بگیران دولتی در دستور کار دولتمردان ایران قرار گرفت. اکنون از یک‌سو ظرفیت جذب نیرو در دستگاه‌های دولتی به نهایت خود رسیده و از سوی دیگر بار مالی سنگینی در اثر جذب نیروهای بیش از اندازه بر دولت ایران تحمیل شده است؛ لذا جذب نیروی جدید مازاد در اولویت دستگاه‌های دولتی نیست که این امر با توجه به حجم گسترده دولت در اقتصاد، تقاضای نیروی کار را کاهش می‌دهد.

۱- رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۸۹ در حدود ۳/۵ درصد برآورد شده است.

۵) تورم لحام گسیخته؛ تورم یکی از چالش‌برانگیزترین موانع اقتصادی در ایران است که تأثیرات گسترده و قابل توجهی بر عملکرد اقتصادی ایران در طی چند دهه اخیر داشته است. مشکل تورم در ایران صرفاً پدیده‌ای مانند افزایش قیمت‌ها به شکل دوره‌ای نبوده بلکه به معضلی تاریخی تبدیل شده که سال‌هاست بر اقتصاد ایران سایه افکنده است. متوسط نرخ تورم در ایران بین سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۹ برابر با ۱۶/۹ درصد بوده در حالی که متوسط نرخ تورم در این دوره برای کشورهای در حال توسعه ۹/۳ درصد، در خاورمیانه و شمال آفریقا ۷/۱ درصد و در کل جهان ۴/۸ درصد بوده است.^۱

این تورم مزمن و لحام گسیخته اثرات منفی بسیاری بر اقتصاد ایران داشته است که در ذیل به برخی از این نتایج پرداخته می‌شود:

۱- در مطالعات انجام شده در مورد اقتصاد ایران (پورداد، ۱۳۷۸ و شهید اول، ۱۳۸۲) نشان داده شده است که تورم یکی از عوامل مهم در ایجاد نابرابری درآمدی در ایران بوده است. در واقع، به علت اینکه در ایران تورم رکودی برقرار بوده، تورم بالا لزوماً هم‌زمان با کاهش بیکاری و بهبود شرایط اشتغال (که می‌تواند عاملی برای بهبود شرایط زندگی مردم دهک‌های پایین درآمدی باشد) نبوده است، بلکه بالعکس در شرایط رکود تورمی هم شاهد تورم بالا و هم شاهد بیکاری بوده‌ایم. این بدان معناست که از یک طرف با وجود تورم، قدرت خرید اقشار مختلف کاهش یافته و از طرف دیگر با افزایش بیکاری و کاهش دستمزدها (که اقشار ضعیف را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد)، امکان درآمدزایی بخش قابل توجهی از مردم نیز سلب شده است.

۲- تورم مزمن و پرنوسان، منشا نااطمینانی و انحراف قیمت‌های نسبی است. در چنین وضعی محاسبه سودآوری سرمایه‌گذاری‌های آتی با دقت قابل قبول امکان‌پذیر نمی‌شود. به همین دلیل افق تصمیم‌گیری عاملان اقتصادی در ایران کوتاه شده و تخصیص بهینه منابع از طریق ساز و کار بازار در ایران مورد تردید قرار گرفته است و لذا عموماً فعالیت‌های اقتصادی به سمت امور کوتاه‌مدت، زود بازده، غیرتولیدی و یا با فناوری پایین حرکت نموده‌اند. این موضوع، در بلندمدت توان رقابتی کشور را چه در زمینه صادرات و چه در مقابله با اجناس وارداتی کاهش داده و خسارات جبران ناپذیری بر صنعت ایران وارد نموده است.

۳- تورم بالا و مزمن که در بطن خود نشان از بی‌ثباتی اقتصاد دارد سبب شده که توجه به دارایی‌های سرمایه‌ای (مانند مسکن و طلا) در ایران زیاد شده و بخش قابل توجهی از سرمایه‌های کشور صرف خرید و فروش چنین دارایی‌هایی شده که علاوه بر ایجاد نوسانات شدید در چنین بازارهایی (که در مورد خاص مسکن باعث افزایش قیمت شدید مسکن و افزایش نابرابری‌های اقتصادی می‌شود)، بخش صنعت و تولید در کشور را از دستیابی به منابع سرمایه‌ای محروم کرده به طوری که کمبود منابع مالی به یکی از مشکلات اساسی و همیشگی صنعت در ایران تبدیل شده است.

اما چه عواملی باعث ایجاد چنین پدیده‌ای در ایران شده‌اند. در ادبیات نظری، علل اقتصادی تورم به سه دسته اصلی تقسیم شده‌اند: تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم فشار هزینه و تورم ساختاری. به علاوه اینکه انتظارات تورمی نیز می‌تواند عاملی برای ایجاد تورم محسوب شود. در اقتصاد ایران به نظر می‌رسد که همه این علل به شکل‌های مختلف حضور داشته و عاملی برای ایجاد تورم در ایران بوده‌اند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- معمولاً مطرح می‌شود که تورم در ایران ریشه پولی دارد. در واقع، مهم‌ترین عامل ایجاد تورم در ایران افزایش بالای نقدینگی در طی سال‌های گذشته محسوب می‌شود. نکته بسیار مهمی که باید در اینجا به آن دقت نمود این است که افزایش نقدینگی در ایران ریشه در عاملی ساختاری و غیرتولیدی دارد که سبب شده این افزایش نقدینگی نه تنها به معنای بهبود وضعیت اقتصادی مردم نبوده بلکه خود عاملی در ایجاد مشکلی مهم به نام تورم باشد. یکی از دلایل افزایش شدید نقدینگی در ایران، استقراض مستقیمی بوده است که دولت‌ها در ادوار مختلف جهت جبران کسری بودجه خود از بانک مرکزی انجام می‌داده‌اند. این استقراض‌ها باعث افزایش پایه پولی و سپس با احتساب ضریب تکاثری باعث افزایش نقدینگی در ایران شده است. البته در سال‌های اخیر دولت به روش دیگری نیز باعث افزایش پایه پولی شده که آن برداشت‌های مستقیم و عموماً جهت جبران هزینه‌های جاری خود از صندوق ذخیره ارزی و تبدیل ارز به ریال از طریق بانک مرکزی بوده است.

البته عوامل افزایش نقدینگی مؤثر در تورم صرفاً محدود به عوامل یاد شده نبوده و در اقتصاد ایران عوامل دیگری مانند افزایش جذب اعتبارات بانک‌ها از بانک مرکزی و بدهکار شدن سیستم بانکی به بانک مرکزی، خروج‌های دوره‌ای و مقطعی سرمایه‌ها از بازارهای پول و سرمایه به

سمت بازار واسطه‌گری کالا و خدمات، افزایش پایه پول از طریق ایجاد اعتبارات بالا و نظارت نشده در مؤسسات مالی - اعتباری (که عموماً مصرف تولیدی نداشته و معمولاً در بازار واسطه‌گری کالا و خدمات مصرف می‌شود) و غیره نیز در این امر سهیم بوده‌اند.

۲- یکی دیگر از عوامل ایجاد تورم، از سمت عرضه و از گران شدن نهاده‌های تولید در سال‌های گذشته ناشی می‌شود. قانون کار همواره یکی از دلایل مهم برای ایجاد چسبندگی دستمزدها و همچنین عدم انعطاف‌پذیری در بازار کار (اعم از عرضه و تقاضای نیروی کار) در ایران عنوان شده که باعث می‌شود که هزینه‌های تولید افزایش یابد. تحریم‌ها نیز عامل دیگری است که سبب شده خرید نهاده‌های تولید، تأمین مالی بین‌المللی و انتقال تکنولوژی به ایران با دشواری‌هایی همراه بوده و عملاً هزینه‌های آن‌ها که مستقیماً بر هزینه‌های تولید اثرگذارند افزایش یابد.

۳- یکی از عوامل مهم تورم ساختاری در ایران وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و گازی شناخته شده است. در بحث مربوط به تأثیرات وابستگی اقتصاد ایران به منابع طبیعی و به خصوص نفت و گاز به چگونگی ارتباط این پدیده با برخی از مهم‌ترین معضلات اقتصاد ایران منجمله تورم اشاره شد. در واقع، این وابستگی به درآمدهای نفتی باعث ایجاد دولتی بزرگ و ناکارآمد در اقتصاد ایران شده که به دلایل مختلف من جمله سهل‌الوصول بودن این‌گونه درآمدها، تصدی‌گری بالای دولت و عدم بلوغ کافی ساختار اقتصادی - سیاسی آن از بی‌انضباطی مالی همیشگی رنج برده است. این بی‌انضباطی مالی از دلایل اصلی ایجاد کسری بودجه دائمی در اقتصاد ایران و در نتیجه استقراض از بانک مرکزی و یا برداشت از صندوق ذخایر ارزی، افزایش پایه پولی و نقدینگی و در نتیجه افزایش تورم در ایران شده است.

۴- اینکه انتظارات تورمی در ایران خود عاملی برای ایجاد تورم در ایران بوده، بحثی چالشی در اقتصاد ایران محسوب می‌شود که البته ردگیری نشانه‌های آن (مانند بحث افزایش قیمت‌هایی که در سال‌های قبل پس از افزایش قیمت بنزین ایجاد می‌شد) چندان دشوار نیست. در واقع، شک‌های افزایش قیمت که به بخشی لاینفک از اقتصاد ایران تبدیل شده، به مرور زمان مردم را نسبت به تغییرات پیرامونی در کشور حساس و نگران نموده و هر عاملی را نشانه‌ای از شک قیمتی دیگری که می‌تواند مستقیماً بر قدرت خرید آن‌ها تأثیر بگذارد تصور می‌کنند، سبب بروز رفتارهای احتکارگرانه و یا انتقال دارایی‌ها برای خرید یا مصرف کالاهای خاص می‌شود. هر چند که

انتظارات تورمی در کوتاه‌مدت می‌تواند با افزایش تقاضای برخی کالاها خاص سبب افزایش قیمت آن کالاها شود، اما برخی از کارشناسان همچنان معتقدند که اگر این تغییرات با سیاست‌های پولی انبساطی بانک مرکزی (و لذا افزایش نقدینگی) همراه نباشد، چون بر حجم پول تأثیری ندارد؛ لذا نمی‌تواند بر تورم کل اقتصاد تأثیر گذار باشد. (بلکه آنچه اتفاق می‌افتد گران‌تر شدن برخی از کالاها و در مقابل ارزان‌تر شدن برخی دیگر از کالاها است) در واقع این کارشناسان معتقدند که اگر در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود که انتظارات تورمی در بلندمدت باعث ایجاد تورم شده، به احتمال زیاد این پدیده با سیاست‌های انبساطی پولی دولت که معمولاً به بهانه بهبود وضعیت و رفع کمبودهای ایجاد شده به خاطر احتکار و غیره بوده، همراه شده است.

در پایان این بخش از مطالعه و در جمع‌بندی موانع و مشکلات اقتصادی فراروی کشور، باید بیان نمود که موانع مورد اشاره، به عنوان بخشی از مهم‌ترین موانع اقتصادی کشور شناخته می‌شوند و طبعاً این مسائل و مشکلات تنها به موارد ذکر شده خلاصه نمی‌گردد. اما تلاش جهت برطرف نمودن موانع مذکور سبب می‌گردد تا علاوه بر فراهم شدن زمینه برای جهش اقتصادی در کشور، امیدواری جهت رفع سایر موانع نیز در میان آحاد جامعه و به خصوص فعالان اقتصادی ایجاد گردد.

۲-۳- تعیین موضوعات راهبردی و آرایش جهادی

این بخش قلب فرآیند مبارزه و جهاد محسوب می‌گردد. در این بخش و در قدم بعدی پس از شناخت نقاط قوت و ضعف و همچنین موانعی که اقتصاد ملی با آن‌ها روبروست، باید موضوعات راهبردی شناخته شده و در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری گردد و سپس مبتنی بر آن آرایش جهادی مورد نیاز صورت گیرد. در این مرحله باید مشخص گردد که در قبال موانع و دشمن اقتصادی چه راهبردهای ممکن وجود دارد و از بین آن‌ها کدام از همه می‌تواند برای کشور مناسب‌تر باشد. تعیین اقتصاد به عنوان یکی از جبهه‌های اصلی مبارزه، یکی از تصمیمات راهبردی کلان در این عرصه است که توسط مقام معظم رهبری انجام پذیرفته است. در سطوح پایین‌تر، سرمایه‌گذاری روی بخش‌هایی که ایران در آن دارای مزیت رقابتی است و یا می‌تواند مزیت رقابتی خلق نماید، انتخاب هم پیمانان بین‌المللی و امضای قراردادهای بلندمدت همکاری در جهت افزایش نفوذ اقتصادی و گسترش بازارهای فروش، ساختاربندی دقیق و بهینه بازار و تعیین جایگاه واقعی و بهینه دولت، بخش

خصوصی و شرکت‌های تعاونی (ابلاغ سیاست‌های اصل نود را می‌توان بخش مهمی از این راهبرد در نظر گرفت) و غیره برخی از مهم‌ترین تصمیمات راهبردی است که باید برای در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری شود.

انتخاب این راهبردها در کنار طرح‌ها و پروژه‌های عملیاتی مشخص، در واقع نقشه عملیاتی یا همان نقشه راه کشور به سوی اهداف عالیه جهاد اقتصادی را مشخص می‌نماید. در واقع نقشه عملیاتی یا همان نقشه راه اهداف کوتاه مدت و بلند مدت را در راستای دستیابی به آن اهداف به همدیگر گره می‌زند. در تدوین این نقشه عملیاتی راهبردها توجه به ۳ موضوع بسیار حائز اهمیت است: ۱- هم راستایی راهبردها با سند چشم‌انداز و برنامه پنج ساله کشور و همچنین بررسی روند رشد و توسعه کشور، ۲- راهبرد انتخابی در راستای وقایع و اتفاقات گذشته و برنامه‌ریزی دشمن برای آینده سیاسی و اقتصادی کشور باشد و ۳- راهبرد مورد نظر در راستای بررسی‌های علمی مربوط به مبانی علم اقتصاد اسلامی و ارائه و تبیین الگوی اقتصاد اسلامی باشد. همچنین در تهیه این نقشه عملیاتی نکته‌ای که باید مد نظر داشت این است که باید سناریوهای مختلفی که در حین اجرای نقشه ممکن است با آن مواجه شویم در نظر گرفته شود و برای برخی از محتمل‌ترین آن‌ها از پیش برنامه داشت. تحولات سریع جهانی، نحوه تغییر آرایش طرف‌های مقابل، گسترش تحریم‌ها، امکان ادامه اقدامات خصمانه از طریق جنگ و خسارات ناشی از آن به اقتصاد و زیرساخت‌ها و غیره برخی از عواملی است که می‌تواند در این سناریوسازی‌ها مد نظر قرار گیرد. این سناریوسازی‌ها می‌تواند سبب شود که بتوان در حین اجرای برنامه‌ها در صورتی که شرایط دچار تحولات گردید، آمادگی‌های پیشین لازم جهت مقابله با آن‌ها وجود داشته و از این طریق بتوان ریسک اجرا را به حداقل کاهش داد.

پس از اتخاذ راهبردهای اساسی کشور و تهیه نقشه عملیاتی، لازم است که همه سازمان‌ها و افراد اقتصادی آرایش جهادی متناسب به خود گرفته و خود را از هر لحاظ برای مبارزه آماده نمایند. آرایش جهادی که یکی از مهم‌ترین گام‌ها در جهت پیشبرد جهاد اقتصادی می‌باشد به معنای تقسیم وظایف هر یک از نیروها و امکانات و سازماندهی و ساختاربندی دقیق و مشخص آن‌ها است. اما در این راه باید توجه داشت، برای اینکه بتوان مسئولیت‌ها را در بهینه‌ترین حالت بین نیروها و امکانات تقسیم نمود، لازم است که شناخت صحیحی از ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خاص هر یک از این نیروها و امکانات در اختیار داشت. سپس با توجه به موانع و نقاط قوت و ضعف کشور که پیش از این شناسایی شده است از این ظرفیت‌ها و امکانات بهره برد.

۳-۳- آموزش

یکی از مهم‌ترین عوامل در راستای بهبود فرآیند عملیاتی شدن جهاد اقتصادی، آموزش نیروها پیش و در حین اجرای آن است. هر چند که انگیزه‌های دینی و ملی و برنامه‌ریزی دقیق و پایبندی به آن نقش بسیار مهمی در موفقیت جهاد اقتصادی خواهد داشت، اما یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند کارایی فرآیند را افزایش داده و از هزینه‌های جانبی این امر بکاهد آموزش‌های مداوم و مفید است. مثل هر عملیاتی که اگر آموزش نیرو نداشته باشیم و نیروهای اقتصادی کشور را آماده نکنیم، در صحنه جهاد دچار مشکل خواهیم شد. بخشی از آموزش نیروها بحث عمومی است، یعنی بدنه‌ی آموزش و پرورش و دانشگاه‌های کشور و در نهایت رسانه‌ها و به طور مشخص رسانه‌ی ملی، باید حرکتی جهادی داشته باشند و یک برنامه‌ی مدون در جهت آموزش نیروهای کشور نسبت به مقتضیات یک جهاد اقتصادی ارائه و اجرا کنند. بخش دیگر، آموزش‌های تخصصی است که باید متناسب با مسئولیت‌ها و وظایف ویژه‌ای که برای افراد در نظر گرفته می‌شود به آن پرداخت که در این میان توجه به الگوی پیشرفت مبتنی بر اندیشه‌های دینی و ملی بسیار ضروری می‌باشد.

۳-۴- اجرا، ارزیابی و اصلاح

پس از اتخاذ تصمیمات راهبردی، نوبت به اجرای برنامه‌ها است. در این بخش لازم است که همه ظرفیت‌های کشور یکسو گردیده و با تلاش و از خود گذشتگی در جهت دستیابی به اهداف مد نظر جهاد اقتصادی حرکت نمایند. در اینجا نباید فراموش نمود که در جهاد و یا مبارزه اقتصادی این تلاش‌ها تا برداشتن کامل موانع اقتصادی باید پیش برود و در این راه، ارزیابی دقیق و مستدام عملکرد بخش‌های مختلف اقتصاد در راستای برنامه‌های راهبردی نظام و حرکت جهاد اقتصادی بسیار ضروری است. برای این امر، نیاز به رصد دقیق^۱ و دائم مسائل اقتصادی داخلی و بین‌المللی و ایجاد ساختارهای نظارتی خاص برای این ارزیابی است. این کار می‌تواند سبب گردد که در بازه زمانی

۱- رصد تحولات یکی از پایه‌های بررسی وضعیت موجود و پیش‌بینی آینده است. علاوه بر این لازم به ذکر است که روش‌های مختلف برای آینده پژوهی و رصد وجود دارد که اکثر انسان‌ها بعضی از آن‌ها را بصورت تجربی در طول دوران زندگی، آموخته‌اند. اکثر این روش‌ها بر این نکته تأکید دارند که بجای تمرکز و مطالعه بر رویدادها و رخدادها، روزمره، باید بر روندها (تغییرات درازمدت و پیوسته) تمرکز کرد. یکی از مهم‌ترین این روش‌هایی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد؛ دیده‌بانی یا پوشش محیطی است که روش مذکور، یکی از روش‌های مهم در رصد و آینده پژوهی بوده و عبارت است از تلاش مداوم به منظور شناسایی تغییرات عمده در محیط پیرامون سازمان یا گروه. این روش بیشتر برای شرایط جنگی بین دو گروه متخاصم به کار می‌رود تا طرفین به کمک آن، مغلوب غافلگیری ناشی از تغییرات سریع در آرایش نظامی طرح مقابل نشوند. عبارت دیده‌بانی به این دلیل انتخاب شده است که این مفهوم تمام جوانب فرایند مشاهده، پایش روندها، ارزیابی و انتشار اطلاعات را در بر می‌گیرد.

مناسب، اشکالات عمده برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته اصلاح گردیده و همچنین فرصت‌ها و تهدیدات جدید نیز مد نظر قرار گیرند.

۴- جهاد اقتصادی و شهرداری تهران

همان گونه که پیش از این نیز بیان شد جهاد اقتصادی صرفاً محدود به دولت نشده و شامل همه سازمان‌ها و نهادها و هر شخص با هر شغل و مسئولیتی می‌شود. در این میان شهرداری تهران به عنوان یکی از سازمان‌های مهم و فعال در ساختار اقتصادی- اجتماعی ایران، نقش بسیار مهمی در امر خطیر جهاد اقتصادی بر عهده دارد. شهرداری تهران علاوه بر نقش اساسی در کیفیت زندگی شهروندان، در بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل تأثیر بسیار مهمی داشته و حتی بر برخی از بازارهای اقتصادی مانند بازار مسکن نیز بسیار تأثیرگذار است. جنبه دیگر اقتصادی شهرداری تهران شرکت‌های مختلف آن است که گستره‌ای از شرکت واحد اتوبوسرانی و شرکت مترو تهران تا بانک شهر را در بر می‌گیرد. همه این موارد نشان‌گر لزوم بررسی دقیق جایگاه شهرداری تهران در امر جهاد اقتصادی و برنامه‌ریزی جامع راهبردی در جهت نیل به اهداف عالیه آن در سطح جایگاه شهرداری تهران و کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران است.

از این رو در این قسمت از گزارش، سعی گردیده است تا با توجه به جایگاه و نقش نهاد شهرداری‌ها در کل کشور به طور عام و شهرداری تهران به طور خاص، چارچوبی مفهومی برای اقدام در جهت تحقق هدف جهاد اقتصادی تبیین گردد. در واقع در این قسمت، به گام‌هایی که شهرداری تهران باید بردارد تا بتواند به یک برنامه راهبردی برای ایفای نقش خود در جهاد اقتصادی رسیده و آن را به خوبی عمل نماید؛ تبیین می‌گردد.

۱-۴- شناخت جایگاه شهرداری در جهاد اقتصادی

اولین گام در راه جهاد اقتصادی برای نهاد شهرداری‌ها (به خصوص شهرداری تهران)، شناخت جایگاه این نهاد، در این امر خطیر، در نظام جمهوری اسلامی است. بر طبق قانون، شهرداری‌ها دارای وظایف ویژه و تعریف شده‌ای می‌باشند که در حال حاضر نیز مشغول به انجام این وظایف می‌باشند. اما در شرایط خاص فعلی، علاوه بر اینکه نهاد شهرداری در کلانشهرهای کشور نیاز به تلاش و کوشش بیشتر در این مسیر دارند، احتمالاً نیازمند بازنگری دوباره در مسئولیت‌ها و جایگاه خویش

متناسب با امر جهاد اقتصادی نیز می‌باشند؛ (زیرا این شناخت می‌تواند بر راهبردهای انتخابی این سازمان تأثیر به سزایی بگذارد).

بر این اساس، جهت گام برداشتن در راستای تحقق اهداف مد نظر در سال جهاد اقتصادی، ابتدا لازم است که همه نیروها از ضرورت‌ها و الزامات جهاد اقتصادی آگاه گردیده و بر سر آرمان‌ها و اهداف کلی آن به توافقی کلی برسند. در واقع پس از تبیین جایگاه و وظایف شهرداری‌ها در سطح کلان اقتصادی، جا دارد که این مهم در درون مجموعه شهرداری‌ها نیز صورت پذیرد تا با تمام وجود در مسیر جهاد اقتصادی حرکت نمایند.

مرحله‌ی بعدی پس از شناخت جایگاه نهاد شهرداری‌ها در دستیابی به اهداف جهاد اقتصادی، همانا شناخت نقاط قوت و ضعف و همچنین موانعی است که بر سر راه فعالیت‌ها قرار دارد. زیرا شهرداری‌ها در کل کشور از جمله نهادهایی می‌باشند که به واسطه ارائه‌ی طیف گسترده‌ای از خدمات به شهروندان (همچون فراهم کردن زیرساخت‌های شهری، تأمین خدمات رفاهی و غیره) علی‌القاعده با مشکلات و موانع متعددی، مواجه می‌باشند. بر همین اساس نیز، شرط اولیه و لازم برای تأمین مناسب این خدمات و گسترش آن‌ها، شناخت مسائل و مشکلاتی است که به عنوان موانع دستیابی به اهداف شهرداری‌ها در ارائه خدمات مطرح می‌گردند. به همین دلیل در ادامه، به طور خلاصه به برخی از عمده‌ترین مشکلات شهرداری‌های کلانشهرهای کشور (به خصوص شهرداری تهران) اشاره می‌گردد تا از این طریق، ضمن ایجاد تمرکز بر روی مهم‌ترین موانع اقتصادی شهرداری‌ها، زمینه‌ی مناسبی برای اقدامات جهادی در راستای رفع این موانع فراهم گردد.

۲-۴- شناخت موانع اقتصادی در شهرداری و اتخاذ راهکارهایی جهت رفع این موانع

همان گونه که اشاره گردید، یکی از گام‌های اساسی در فرآیند دستیابی به اهداف جهاد اقتصادی، شناخت موانع و اتخاذ راهبردهای مناسب جهت رفع این موانع در شهرداری‌ها است. بر این اساس، شهرداری‌ها باید ضمن شناخت موانع اقتصادی موجود بر سر راه دستیابی به اهداف بلندمدت خود، باید به خوبی از نقاط ضعف و قوت مجموعه خود به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی کشور آگاه بوده و با درکی عمیق از تحولات ایران و جهان، فرصت‌ها و تهدیداتی که پیش روی این سازمان مهم در اقتصاد ایران است را شناسایی نماید. (به طور خاص، در امر جهاد اقتصادی، شهرداری

تهران باید به تهدیدات خصمانه‌ای که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و در حیطه مسئولیت شهرداری قرار دارد، توجه ویژه‌ای داشته باشد. برای شناخت این نقاط ضعف و قوت بهترین منبع، حافظه تاریخی و دانش انباشته در خود سازمان است که می‌تواند در قالب بررسی گزارش‌های وضع موجود و همچنین برگزاری هم‌اندیشی با مدیران و کارشناسان این نهاد مورد شناسایی قرار گیرد. پس از شناخت نقاط قوت و ضعف و موانع اقتصادی، لازم است تا راهبردهای ممکن جهت مبارزه و اقدام جهادی در شهرداری شناسایی گردیده و از میان آن‌ها، بهترین راهبردها انتخاب گردند. این امر نیز به نوبه خود می‌تواند با کمک کارشناسان و مدیران شهرداری در جلسات کارشناسی انجام پذیرد. تعیین این موضوعات راهبردی و در ادامه تعریف نمودن طرح‌ها و پروژه‌های منتج از آن‌ها، در واقع نقشه عملیاتی‌ای برای شهرداری ایجاد می‌نماید که می‌تواند روشنگر این مسئله باشد که شهرداری تهران، چگونه باید نیروهای خود را جهت امر جهاد اقتصادی آرایش دهد. این طراحی، مسئولیت هر یک از نیروها و امکانات شهرداری برای پیگیری راهبردهای انتخاب شده در جهت نیل به اهداف عالیه جهاد اقتصادی را مشخص ساخته و موقعیت و چگونگی عملکرد آن‌ها را نیز نشان می‌دهد.

با این مقدمه، در این بخش سعی شده است تا ضمن بیان برخی از مشکلات اقتصادی شهرداری‌های کشور (و به طور خاص شهرداری تهران)، به بیان راهکارهایی (با عنایت به برخی از نقاط قوت شهرداری که به صورت بالفعل موجود و مهیا می‌باشند) جهت رفع این موانع و مشکلات، اشاره گردد.

لازم به ذکر است مطالب بیان شده در ارتباط با موانع اقتصادی و راهکارهای رفع این موانع، به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و لذا این امکان و ظرفیت وجود دارد تا در مطالعات آتی، به هر یک از مشکلات و موانع مورد اشاره، به طور تفصیلی و در قالب مطالعات مجزا پرداخته شود.^۱

۱) نظام و ساختار درآمدی پویا و پایدار؛ یکی از موانع و چالش‌های اساسی شهرداری‌ها در ایران در دستیابی به اهداف بلندمدت (همچون توسعه پایدار شهری)، ناپایداری در درآمدها و منابع درآمدی است. بدون وجود یک منبع درآمدی پایدار اساساً امکان برنامه‌ریزی (به طور خاص برنامه‌ریزی بلندمدت) وجود نخواهد داشت و تصمیمات و سیاست‌های اتخاذ شده عمدتاً بنا به شرایط

۱- لازم به ذکر است که مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در نظر دارد تا گزارش‌هایی را پیرامون هر یک از موانع اقتصادی مطرح شده تهیه و تدوین نماید.

و مقتضیات دوره‌های مختلف زمانی دچار تغییر و تحول می‌گردند.^۱ این امر سبب گردیده طی سالیان گذشته، پایداری درآمدها، همواره به عنوان یکی از مسائل و دغدغه‌های شهرداری‌های کلانشهرهای کشور مطرح باشد.

واقعیت این است که طراحی نظام درآمدی شهرداری‌ها در ایران عمدتاً بدون توجه به مبانی مربوط به مالیه محلی صورت گرفته و فقدان این مبانی، پیامدهای منفی فراوانی همچون کاهش کارایی تخصیصی در اقتصاد شهری، ناسازگاری مالیات‌ها و بهای خدمات شهری با عدالت افقی و عمودی و بی‌ثباتی در درآمدهای شهرداری را در پی داشته است.

همچنین نبود یک تعریف مشخص از نظام درآمدی شهرداری در قالب نظام کلان اقتصادی کشور و تغییرات و مداخلات موردی و پی‌درپی (بدون توجه به مبانی نظری و تجربه‌های جهانی حاکم بر این بخش)، سبب گشته است تا بخش درآمدی شهرداری‌ها در ایران در وضعیت ناپایدار قرار گیرد؛ به عبارت دیگر با محدود شدن عرصه‌های قانونی و معقول کسب درآمد شهرداری‌ها، وابستگی بخش درآمدی شهرداری به ساخت و ساز شهری به شدت افزایش یافته است. این وابستگی شدید، موجب گشته در مواقع رکود ساخت و ساز، شهرداری‌ها از لحاظ خدمات‌رسانی به شهروندان در موقعیت بحرانی قرار گیرند. این در حالی است که بررسی ترکیب منابع درآمدی شهرداری کلانشهرها در اکثر کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که در اغلب این کلانشهرها، منابع مالیاتی یکی از منابع اصلی درآمدی می‌باشند (در اغلب شهرهای بررسی شده، سهم مالیات‌های مرتبط با دارایی بیشترین سهم مالیات‌های دریافتی را به خود اختصاص داده است)، در حالی که ابزار مالیاتی در کسب درآمد در مجموعه شهرداری‌های کشورمان، به شکل بسیار محدودی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در پاسخ به مشکلات ذکر شده، نهاد شهرداری‌ها در کلانشهرهای کشور اقداماتی را جهت نیل به هدف پایدارسازی منابع درآمدی اتخاذ نموده‌اند که در جای خود قابل بررسی و ارزیابی است. اما در ارتباط با شهرداری تهران، باید عنوان نمود که این نهاد، اقدامات و برنامه‌ریزی‌هایی را ترتیب داده است تا از طریق این اقدامات، سهم درآمدهای پایدار را از مجموع درآمدهای تحصیلی خود افزایش دهد. به طوری که بنا بر آمار موجود، از سال ۱۳۸۵ تاکنون، درآمدهای پایدار شهرداری تهران رشد چشمگیری پیدا نموده است و سهم درآمدهای پایدار از مجموع درآمدهای حاصله شهرداری تهران از کمتر از ۵

درصد در سال ۱۳۸۴ به بیش از ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۹ بالغ گشته است. اما علی‌رغم این تلاش‌ها و اقدامات صورت پذیرفته، باید اذعان نمود که فاصله موجود با نقطه مطلوب بسیار زیاد می‌باشد.

در این میان نام‌گذاری سال جاری به نام جهاد اقتصادی توسط مقام معظم رهبری، فرصت مناسبی است تا در این سال با عنایت به بسترهای قانونی فراهم شده در برنامه پنجم توسعه، با اقدامی جهادی نسبت به پایدارسازی هرچه بیشتر درآمدهای شهرداری گام برداشته و زمینه مناسبی برای برطرف کردن یکی از معضلات اصلی اقتصادی کلانشهرها را فراهم آورد.

در پایان این بخش باید اشاره داشت در راستای تحقق هدف پایدارسازی منابع درآمدی در نهاد شهرداری‌ها برخی راهبردها توسط کارشناسان و صاحب نظران مورد تأکید قرار گرفته که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تقویت جایگاه درآمدهای مالیاتی در سبد درآمدی شهرداری‌ها، ایجاد سازوکار پایدار جهت دریافت بهای خدمات ارائه شده، استفاده از بازارهای مالی و سرمایه‌ای، ارتقای سطح و جایگاه مشارکت بخش دولتی با شهرداری‌ها، مشارکت بخش خصوصی در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی و خدماتی اشاره نمود که در مجموع می‌تواند کمک مؤثری جهت ارتقاء و پایدارسازی منابع درآمدی شهرداری‌ها نماید.

۲) فعالیت‌های تصدی‌گری؛ همان‌طور که در بررسی موانع اقتصادی کشور بیان گردید، گسترش بخش دولتی در سال‌های گذشته، سبب شده است تا اقتصاد ملی با برخی مسائل و مشکلات روبرو گردد که به برخی از این مسائل در بخش‌های قبلی اشاره شد. اما به باور بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که به واسطه گسترش فزاینده بخش دولتی خود را نمایان نموده، مسئله عدم کارایی است که عمدتاً از عدم وجود سازوکار مناسب نظارتی در بخش دولتی و همچنین فقدان مکانیزم انگیزشی برای فعالان در این بخش نشأت می‌گیرد. این مشکل در ارتباط با نهادها و سازمان‌هایی که ساختار و چارچوب اجرایی مشابه دارند نیز صدق می‌کند که از آن جمله، مجموعه‌ی شهرداری‌ها می‌باشند. به همین دلیل بحث کوچک نمودن بخش اجرایی و تصدی‌گری در نهاد شهرداری‌های کشور، موضوعی است که باید با جدیت دنبال گردد تا مشکلات مترتب بر این مانع برطرف گردد.

البته توجه به این نکته ضروری است که شهرداری‌ها گرچه طبق قانون جزو نهادهای عمومی غیردولتی طبقه‌بندی می‌شوند و مشمول مقررات عام اصل ۴۴ قانون اساسی نمی‌باشند، ولی دلایل

اقتصادی متقنی وجود دارد که ضرورت واگذاری بخشی از فعالیت‌های شهرداری‌ها به بخش خصوصی را مورد تأکید قرار می‌دهد. این دلایل، از یک سو ریشه در مبانی تجربی و نظری، پیرامون ترجیح بخش خصوصی بر دولتی داشته و از سوی دیگر، ناشی از مقتضیات خاص حوزه فعالیت مدیریت شهری می‌باشند. علاوه بر استدلال‌های اقتصادی، محیط حقوقی فراهم شده در سال‌های اخیر از سوی نهاد مدیریت شهری، شورای شهر و شهرداری نیز به شدت از خصوصی‌سازی حمایت کرده و برخی اقدامات اجرایی مربوط به این فرآیند را نیز پیش‌بینی نموده است. با توجه به این مطالب، می‌توان به برخی از راهبردها همچون تمرکز و تأکید بر امور حاکمیتی (همچون برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و غیره)، بسترسازی مناسب جهت تقویت حضور بخش خصوصی در عرصه فعالیت‌های عملیاتی و اجرایی، استفاده از رویکردهای نوین در خصوصی‌سازی خدمات شهری همچون مشارکت عمومی- خصوصی، تقویت بعد مدیریتی و نظارتی در ساختار سازمانی شهرداری‌ها و مواردی از این قبیل اشاره نمود که نهاد شهرداری‌ها در کلانشهرهای کشور (به خصوص تهران) می‌توانند از آن‌ها جهت رفع معضل تصدی‌گری در بخش‌های مختلف سازمانی خود بهره‌جویند. با عنایت به این مطالب و همچنین با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، باید بیان نمود که نهاد شهرداری‌ها در کل کشور اقداماتی را ظرف چند سال اخیر جهت واگذاری امور تصدی‌گری به بخش‌های مردمی انجام داده‌اند که در جای خود قابل مطالعه و بررسی است. اما در این میان، شهرداری تهران به عنوان نهاد پیشگام در امر واگذاری وظایف تصدی‌گرایانه خود به بخش خصوصی، اقدامات و برنامه‌ریزی‌هایی را صورت داده که در نوبه خود بسیار دلگرم‌کننده است. به عنوان مثال، از جمله این اقدامات صورت گرفته، می‌توان به تدوین راهبردهای نحوه انجام مأموریت‌ها و وظایف شهرداری تهران در قالب طرح تحول اداری^۱ اشاره داشت که هدف اصلی از اجرای آن، واگذاری بخش‌ها و فعالیت‌های تصدی‌گرایانه در زیربخش‌ها و معاونت‌های شهرداری تهران می‌باشد. در این راستا ظرف چند سال اخیر، بخش‌ها و فعالیت‌های اجرایی بسیاری از مجموعه شهرداری تهران منفک گردیده و به بخش خصوصی واگذار شده است، اما علی‌رغم تمام این تلاش‌ها و اقدامات، باید بیان نمود که فاصله میان اهداف تعیین شده و مورد انتظار با آنچه که اکنون در حال انجام است بسیار زیاد می‌باشد. به همین دلیل، نیاز است تا در سال جهاد اقتصادی، با استفاده

از تمام ظرفیت‌ها و امکانات مدیریتی و سازمانی و از طریق اقدام جهادی، زمینه لازم برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته شده برای واگذاری فعالیت‌های تصدی‌گری با سرعت بیشتری در شهرداری فراهم گردد.

۳) بهره‌وری؛ همان طور که پیش از این نیز بیان شد، بهره‌وری پایین یکی از مشکلات و مسائل اصلی اقتصاد کشور به حساب می‌آید. به طوری که بنا بر آمار موجود ظرف ۴۰ سال گذشته، تغییر چندانی در شاخص‌های بهره‌وری (به طور خاص بهره‌وری نیروی کار) اتفاق نیفتاده است و این مسئله موجب گشته تا کشورمان علی‌رغم وجود منابع و امکانات فراوان، همواره با مشکل کمبود و کمیابی منابع در بخش‌های مختلف روبرو باشد.

موضوع بهره‌وری علاوه بر سطح کلان اقتصاد، در ارتباط با سازمان‌ها و نهادهایی که به ارائه یک محصول (اعم از کالا و یا خدمت) می‌پردازند نیز مطرح می‌گردد. در این میان شهرداری‌ها از جمله دستگاه‌ها و سازمان‌هایی می‌باشند که اساس کار آن‌ها بر مبنای خدمت‌رسانی عمومی به اقشار و بخش‌های مختلف جامعه و با سطح انتظارات و نیازهای گوناگون شکل گرفته است. به همین دلیل، چنین نهادهایی می‌بایست جهت انجام خدمات محوله، کلیه امکانات (اعم از منابع فیزیکی و سرمایه‌ای و منابع انسانی) خود را در سایه‌ی یک مدیریت کارآمد بسیج نمایند تا از این طریق بتوانند پاسخگوی نیازهای طیف وسیعی از دریافت‌کنندگان خدمات باشند. اما آنچه که همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های مدیران و مسئولین حوزه‌ی شهری مطرح بوده است، کمبود امکانات موجود در مقایسه با نیازهای متنوع بوده است. به طوری که در اغلب سال‌ها، بحث کمبود و کسری منابع مالی جهت رفع نیازهای حوزه‌ی شهری مطرح بوده و برای حل این مشکل نیز همواره به راه‌حل گسترش منابع درآمدی توجه گردیده است. (البته همان طور که در بحث پایدارسازی درآمدهای شهرداری مطرح گردید، ظرفیت‌های زیادی جهت افزایش منابع درآمدی به طور بالقوه قابل تصور است) حال آنکه، یکی از اقداماتی که می‌تواند کمک شایانی به تخفیف این معضل (کمبود منابع درآمدی) نماید، ارتقای بهره‌وری^۱ در کلیه بخش‌های شهرداری می‌باشد؛ لذا نیاز است تا موضوع ارتقای سطح و جایگاه

۱- لازم است به این نکته توجه گردد که سنجش و ارزیابی میزان بهره‌وری در نهادهای ارائه‌دهنده خدمات همچون شهرداری تهران با سازمان‌های تولیدی متفاوت است. چرا که ستانده‌ی شهرداری تهران عمدتاً به صورت ارائه خدماتی است که هدف آن‌ها ارتقای کیفیت زندگی شهری می‌باشد.

بهره‌وری در اقتصاد شهری به عنوان یکی از موضوعات اولویت دار در برنامه‌ریزی شهرداری کلانشهرها قرار گیرد.

همان طور که پیش از این در بخش بررسی موانع و مشکلات اقتصاد ایران مطرح گردید، موضوع بهره‌وری به صورت خلاصه، معمولاً در ارتباط با دو نهاده‌ی معین (نیروی انسانی و سرمایه فیزیکی) تعریف می‌گردد. با نگاه به وضعیت کنونی سازمان‌های دولتی و نهادهای عمومی همچون شهرداری‌ها می‌توان مشاهده نمود که در حال حاضر، سطح بهره‌وری منابع انسانی در اغلب این نهادها در سطح بسیار پایینی قرار دارد. از طرف دیگر بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد، برخی عوامل در ایجاد چنین شرایطی تأثیرگذار بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به ساختار نامناسب حاکم بر بخش‌های اداری و سازمانی و عدم افزایش و ارتقای سطح آموزش و مهارت‌های نیروها، هم‌زمان با تغییر و تحولات اشاره نمود که در مورد نهاد شهرداری نیز این مسئله مصداق پیدا می‌کند. در کنار مشکلات و موانع بر سر راه ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی، بهره‌وری سرمایه نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد که این مسئله در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری یافته است. چرا که نهاد شهرداری در اکثر کلانشهرهای کشور از جمله تهران به سمت گسترش استفاده از ماشین‌آلات و سرمایه‌های فیزیکی به جای نیروی انسانی، جهت ارائه خدمات مناسب‌تر شهری گرایش پیدا نموده‌اند و همین موضوع سبب گشته تا نحوه‌ی بهره‌برداری از این امکانات بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

با عنایت به این موارد، می‌توان به برخی از راهبردها از قبیل تعیین شاخص‌های عملیاتی جهت رصد سطح بهره‌وری، بازنگری در ساختارها و فرآیندهای اجرایی و عملیاتی، کاربست نظام بودجه‌ریزی عملیاتی برای تخصیص منابع و امکانات، ایجاد زمینه‌های انگیزشی برای کارکنان و فعالان از طریق فراهم نمودن شرایط لازم جهت بروز استعدادها و خلاقیت‌های افراد در بخش‌های مختلف سازمان، ایجاد زمینه‌های مناسب جهت آموزش و ارتقاء مهارت کارکنان و منابع انسانی اشاره نمود که می‌تواند مشکل پائین بودن سطح بهره‌وری عوامل را در مجموعه شهرداری‌های کل کشور به طور عام و شهرداری تهران به طور خاص بهبود بخشد.

البته در این میان باید بیان داشت که شهرداری تهران جهت ارتقاء جایگاه و نقش بهره‌وری در انجام فعالیت‌ها و در راستای بهینه نمودن استفاده از منابع و امکانات خود، اقداماتی را اتخاذ نموده

است.^۱ که می‌توان به پروژه‌ای که با هدف افزایش بهره‌وری عملیاتی در سطح مناطق ۲۲گانه شهر تهران (در قالب یک پروژه علمی- کاربردی) در حال انجام است، اشاره داشت. این پروژه که با همکاری انجمن ملی بهره‌وری ایران صورت می‌گیرد، در چهار مرحله (شامل بسترسازی استقرار چرخه بهره‌وری، تدوین نظام اندازه‌گیری و تحلیل شاخص‌های بهره‌وری مناطق، تعریف پروژه‌های بهبود و مکانیزاسیون نظام اندازه‌گیری شاخص‌ها) در سال آتی به مرحله اجرا در خواهد آمد که پیش‌بینی گردیده است تا در گام نخست، چرخه مدیریت و ارتقای بهره‌وری در نیمه نخست سال جاری (۱۳۹۰) طراحی و پیاده‌سازی گردد. علاوه بر این پروژه، از جمله اقدامات عملیاتی که تاکنون جهت ارتقاء بهره‌وری (به خصوص در بحث بودجه‌ای و هزینه‌ای) صورت گرفته، می‌توان به ایجاد ساز و کار لازم جهت اجرایی نمودن **نظام بودجه‌ریزی عملیاتی** اشاره نمود. چرا که از طریق این نظام، ارتباط شفاف میان منابع صرف شده و کالا و خدمات ارائه شده (میزان مصرف از منابع در هر یک از خروجی‌ها) مطابق با اهداف برنامه، برقرار گردیده و زمینه ارتقاء هر چه بیشتر در بهره‌وری منابع مالی صرف شده، به وجود خواهد آمد.

با در نظر گرفتن تمامی این اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته، باید گفت که روند طی شده نشانگر این واقعیت است که موضوع بهره‌وری و اهمیت آن، آنچنان که لازمه این مفهوم باشد، مورد توجه قرار نگرفته است؛ لذا نام‌گذاری امسال به عنوان سال جهاد اقتصادی، فرصت مغتنمی است تا مسئولین و مدیران شهری با اقدام جهادی در کلیه‌ی بخش‌های تحت مدیریت خود، زمینه تحقق ارتقای بهره‌وری را فراهم آورند.

۴) ارتقاء و بهبود شاخص‌های مربوط به شفافیت مالی و اداری؛ همان گونه که در بررسی موانع کلان اقتصادی ایران و در بخش اقتصاد نفتی اشاره گردید؛ یکی از معضلات اقتصادی که در کشور و به خصوص در دستگاه‌های اداری قابل مشاهده است، وجود فساد مالی و اداری^۲ است. این معضل که از سالیان دور و با شکل‌گیری چارچوب نظام اداری در کشورمان خود را نمایان نموده، علی‌رغم تمام

۱- نتایج برخی از این اقدامات نیز طی سال‌های گذشته و در قالب گزارش به تفصیل ارائه گشته است.

۲- فساد اداری، دارای عناصر و مصداق‌های زیادی از جمله رشوه، اختلاس، دزدی، تقلب، سوء استفاده از امکانات دولتی به نفع خود یا دیگری و تحمیل مخارج و مبالغ هنگفت بر بودجه دولتی، اضافه‌کاری بی‌اساس، پاداش و امتیازات بیجا و غیره می‌باشد، اما تعیین دقیق مصادیق فساد اداری کار دشواری می‌باشد.

تلاش‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر همچنان به عنوان یکی از چالش‌های اقتصادی کشور به حساب می‌آید. آثار و تبعات گسترده‌ای که فساد اداری به روی ساختارها و فرآیندهای حاکم بر یک نظام دارد؛ موجب گردیده امروزه به این پدیده و پیامدهای آن دقت و توجه ویژه‌ای گردد. از جمله مهم‌ترین پیامدهای فساد که در مطالعات و بررسی‌های گوناگون به آن‌ها اشاره شده است، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱) فساد سبب اتلاف منابع و سرمایه‌ها می‌شود؛
 - ۲) فساد مانع رشد رقابت مثبت و موجب خشی شدن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می‌شود و بیشترین لطمه را به افراد فقیر و محروم جامعه می‌زند؛
 - ۳) فساد از میزان اثربخشی و مشروعیت نهادها می‌کاهد، امنیت و ثبات جامعه را به خطر می‌اندازد و ارزش‌ها و اخلاقیات جامعه را مخدوش می‌سازد؛
 - ۴) فساد به افزایش هزینه معاملات منجر می‌شود و مانع توسعه پایدار می‌باشد؛
 - ۵) فساد سرمایه‌گذاری‌های انجام شده روی منابع انسانی را هدر می‌دهد، فضائل اخلاقی را کم رنگ می‌سازد و در سازمان ارزش‌های منفی به وجود می‌آورد؛
 - ۶) فساد موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی نهادها برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر می‌شود.^۱
- در اینجا باید اشاره نمود، عوامل متعددی در شکل دهی این پدیده نقش دارند که از جمله این عوامل می‌توان به

- وجود انگیزه‌های فردی، گروهی، سمتی و حزبی،
- فقدان اراده سیاسی و اجتماعی در امحای فساد،
- ابهام و انعطاف قوانین و مقررات،
- پیچیدگی، پراکندگی و گستردگی قوانین،
- نادیده گرفتن قوانین اداری،
- ابهام و کلی‌گویی در تعیین بودجه،
- فقدان نظارت صحیح بر اجرای بودجه،

- عدم شفافیت و گاهی تداخل در وظایف،
- جعل و دستکاری در اسناد و مدارک حقوقی و مالی،
- عدم نظارت صحیح و اصولی مراجع نظارتی،
- فقر و محرومیت و معاش اندک یا متفاوت کارمندان و افراد، نهادها و مؤسسات،
- زیاده‌خواهی، سازش و زد و بند اداری،
- تصوراتی چون محق بودن و اختیار داشتن،
- عدم توجه به شایستگی‌ها و عدم برخورد جدی با این پدیده،

اشاره نمود.

در کنار توجه به آثار فساد و عوامل تأثیرگذار بر آن، باید به این مسئله توجه داشت که بروز و ظهور فساد اداری پدیده‌ای نیست که منحصر به یک نهاد و سازمان خاص و مشخصی گردد. بلکه بروز فساد اداری به طور بالقوه در همه دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی امکان‌پذیر است. در این میان، برخی از سازمان‌ها و نهادهای اجرایی و خدماتی به واسطه نوع ساختار و چارچوب حاکم بر آن‌ها (همچنین به دلیل گستردگی و تنوع فعالیت‌ها) در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار دارند که شهرداری‌ها یکی از این گونه سازمان‌ها به حساب می‌آیند که به دلیل گستردگی بسیار زیاد خدماتی که ارائه می‌دهند، علی‌القاعده با این معضل بیشتر روبرو گردیده‌اند. به همین دلیل نیز، طی سالیان متمادی، کاهش میزان فساد اداری، یکی از دغدغه‌های مسئولین و مدیران حوزه‌ی مدیریت شهری (به طور خاص شهرداری تهران) بوده و به یکی از اولویت‌های کاری این مجموعه بدل گشته است. توجه به این مهم و اقدامات و برنامه‌های صورت پذیرفته در شهرداری تهران، به عنوان پیشگام دیگر نهادهای اجرایی و خدمت‌رسانی کشور در امر مبارزه با فساد و تخلفات اداری، سبب گردیده تا در سال ۱۳۸۹ شهرداری تهران توسط سازمان بازرسی کل کشور، به عنوان سازمان برتر در ارتقای سلامت نظام اداری معرفی گردد که خود نشانگر شتاب پدید آمده در پیگیری اهداف و برنامه‌ریزی‌ها، در سطح این نهاد می‌باشد.

از جمله‌ی این اقدامات شاخص که زمینه‌ساز کسب رتبه نخست شهرداری تهران در میان نهادهای اجرایی کشور گشته است می‌توان به تلاش‌های صورت گرفته جهت مبارزه با فساد اداری و مالی و با تکیه بر ۳ ویژگی کوچک‌سازی، شفاف‌سازی مالی و هوشمندسازی اشاره نمود. بر این اساس، جهت

اجرایی و عملیاتی شدن اهداف سه گانه مذکور، فعالیت‌هایی نیز در بخش‌های مختلف مجموعه شهرداری تهران تعریف گشته که از آن جمله می‌توان به الکترونیکی شدن تمامی سامانه‌های شهرداری تهران اشاره نمود که با هدف کاهش تخلفات و خطای نیروی انسانی استقرار یافته است و از این طریق، هرگونه تخلفی در فرآیندهای اجرایی، ثبت، قابل رصد و پیگیری می‌گردد.^۱

علاوه بر اقدامات مذکور، تلاش‌هایی نیز جهت کاهش سطح فساد اداری از طریق ایجاد نظام سنجش و پایش سلامت اداری در شهرداری تهران در حال پیگیری و انجام است که بنا بر اهداف در نظر گرفته شده برای این پروژه (این طرح با همکاری ستاد ارتقای سلامت اداری و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران و در قالب یک مطالعه کاربردی و با بهره‌مندی از توان کارشناسان متخصص در این زمینه در حال انجام است) پیش‌بینی شده است تا طی چهار مرحله، ضمن طراحی مدل مفهومی سلامت اداری و شاخص‌های اندازه‌گیری آن در سطح شهرداری تهران، نحوه پیاده‌سازی و استقرار مدل مورد نظر در قالب نظام‌نامه و دستورالعمل‌های اجرایی تبیین گردد. به طوری که با اجرای مدل مذکور و اندازه‌گیری میدانی و تحلیل نتایج به دست آمده، انتظار می‌رود، گلوگاه‌های فساد اداری و عوامل مؤثر بر آن شناسایی و راهبردهای ارتقای سلامت اداری تدوین و ارائه گردد.^۲

با توجه به اقدامات ذکر شده و برنامه‌های پیش‌بینی شده، می‌توان به برخی از راهبردهای اجرایی اشاره و توجه نمود که دستیابی به هدف کاهش و یا محو فساد اداری در مجموعه شهرداری را ممکن و میسر می‌سازد. از جمله‌ی این راهبرها می‌توان به مواردی همچون کوتاه نمودن فرآیندهای اجرایی و عملیاتی در بخش‌های مختلف شهرداری، شفاف نمودن کلیه روندها و فرآیندها، ساده‌سازی و تسهیل قوانین و مقررات اجرایی، بهبود و ارتقای شرایط کاری برای کارکنان در بخش‌های مختلف و مواردی از این قبیل اشاره نمود.

با عنایت به این اقدامات و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته و همچنین راهبردهای قابل برنامه‌ریزی در این زمینه، می‌توان امیدوار بود که با اجرای این طرح و طرح‌هایی مشابه، ضمن آنکه یک مدل مفهومی برای درک ابعاد مختلف سلامت اداری در شهرداری تهران تبیین گردد، روند کاهش میزان

۱- در واقع می‌توان عنوان نمود که بر اساس تلاش‌های صورت گرفته، تمامی اقدامات و فعالیت‌ها در شهرداری تهران، هوشمند خواهند شد و امکان نظارت دقیق بر فرآیندهای اجرایی میسر خواهد شد.

۲- جهت انجام مطالعات بیشتر در این زمینه، به گزارش عملکرد شهرداری تهران در زمینه ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مراجعه گردد.

فساد و ارتقای سلامت اداری در سطح شهرداری تهران نیز سرعت بیشتری پیدا نماید. اما همان گونه که اشاره شد؛ به واسطه ایجاد مشکلات ساختاری فراوان طی سال‌های متمادی، نیاز به تلاش مضاعف جهت رفع این مشکل ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد که این امر از طریق اقدامات متداول و معمول امکان پذیر نمی‌باشد. لذا در سال جهاد اقتصادی انتظار می‌رود تا مسئولین و مقامات نهاد شهرداری تهران در همه‌ی سطوح، از تمام ظرفیت‌ها و منابع، جهت دستیابی به یک نظام سالم و شفاف اداری و مالی استفاده نمایند.

در پایان این بخش و در جمع‌بندی موانع و مشکلات اقتصادی مورد اشاره در شهرداری‌ها (به طور خاص شهرداری تهران)، باید اشاره نمود که عمده‌ی مسائلی که شهرداری‌ها با آن مواجه‌اند (که به بخشی از مهم‌ترین این موانع در این مطالعه اشاره گردید)، با مسائل و موانع کلان اقتصاد کشور دارای وجوه مشترک می‌باشد، لذا هرگونه اقدامی که بتواند به حل و یا رفع موانع مورد اشاره در شهرداری‌ها در کلانشهرهای کشور کمک نماید، در واقع به حل بخشی از مشکلات کلان کشور کمک می‌نماید. به همین دلیل نیز، شهرداری‌ها (با توجه به نقش و جایگاهی که اقتصاد شهری در اقتصاد ملی ایفا می‌نماید)، می‌توانند به طور بالقوه، سهم مؤثری در دستیابی به اهداف راهبردی کلان در سال جهاد اقتصادی داشته باشند.

۳-۴- اجرا، ارزیابی و اصلاح برنامه راهبردی شهرداری تهران

اجرای راهبردهای جهادی شهرداری تهران به طور قطع با تغییرات گسترده‌ای در این سازمان همراه خواهد بود که علاوه بر اینکه مدیران شهرداری باید تقید و التزام کامل به راهبردهای کلان مصوب داشته باشند، الزاماً باید خود را برای تغییرات گسترده در سازمان‌های متبوع خود آماده نمایند. رصد تحولات و ارزیابی دقیق عملکرد سازمان، اقدام لازمی خواهد بود که در حین فرآیند اجرا و به منظور اصلاح مناسب‌تر این فرآیند می‌بایست به طور مداوم انجام پذیرد. این کار نیز می‌تواند با استفاده از تعریف کارگروه‌های ویژه در درون شهرداری تهران به صورت دائمی صورت گیرد.

۵- جمع‌بندی و پیشنهادات

مقام معظم رهبری طی سال‌های گذشته در ابتدای هر سال با نام‌گذاری آن سال، همه‌ی افراد جامعه را متوجه اولویت‌ها و ضرورت‌های کشور در بخش‌های مختلف و در آن برهه زمانی خاص

می‌نمایند (به عنوان مثال سال نوآوری و شکوفایی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف). در راستای این اقدام هوشمندانه، رهبری انقلاب امسال را سال جهاد اقتصادی نام‌گذاری نمودند و ضمن تأکید بر چرایی و دلایل این نام‌گذاری همه‌ی افراد و احاد ملت را به پیگیری این موضوع جهت تحقق اهداف مدنظر متوجه نمودند. بر این اساس گزارش حاضر ضمن بررسی این موضوع (جهاد اقتصادی) در پی تبیین راهکارها و ارائه چارچوب معین برای این ضرورت بوده است؛ لذا در این گزارش سعی گردید تا ضمن بررسی مفهوم جهاد اقتصادی از ابعاد مختلف، بر روی دیدگاه‌های رهبری انقلاب تمرکز گردد. همان‌طور که در گزارش نیز به آن اشاره گشت آنچه که می‌توان از بیانات ایشان استنباط نمود این است که معظم‌له بر روی دو نکته‌ی کلیدی در نام‌گذاری سال جاری به نام جهاد اقتصادی تأکید نموده‌اند: ۱- توجه و تأکید بر وجود دشمن در فضای اقتصادی و تلاش جهت مبارزه با دشمنان از طریق حرکت جهادی و ۲- اعتلای نام اسلام در کنار پیشرفت‌ها و توفیقات که از این طریق بتوان الگوی جدیدی را جهت رفع مشکلات و موانع و منطبق بر مبانی نظری اسلام معرفی نمود.

همان گونه که در گزارش اشاره و بار دیگر در اینجا تأکید می‌گردد مقایسه واژگان مکمل واژه جهاد اقتصادی، یعنی دشمن و مبارزه (که در بیانات ایشان بر آن تأکید ویژه‌ای شده است) با واژگان مرسوم در ادبیات اقتصادی یعنی رقابت و رقابت کردن نشان می‌دهد که هرچند این دو مفهوم (مبارزه و رقابت) در ظاهر شباهت‌هایی دارند اما اختلافات مهمی بین آن‌ها وجود دارد که سبب می‌شود واژه‌ی جهاد اقتصادی به صورت واژه‌ای واحد و خاص در نظر گرفته شود که در بیانات اقتصادی متعارف جانشین و مترادف خاصی ندارد. در واقع می‌توان بیان نمود که رهبری با بکار بردن واژه‌ی دشمن بر این نکته تأکید نموده‌اند که در حال حاضر کشور ما در شرایط عادلانه‌ای به جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی قرار ندارد و لذا برای رفع این تنگناها، ایشان دستور به انجام و اقدام جهادی داده‌اند.

علاوه بر این همان گونه که در گزارش بیان گردید، توجه به الزامات و برنامه‌ریزی مناسب جهت دستیابی به اهداف جهاد اقتصادی امری ضروری و اساسی است. در جمع‌بندی الزامات و پیش نیازها باید عنوان نمود که آنچه بیش و پیش از هر چیز در این مرحله اولویت پیدا می‌نماید، شناخت موانع اقتصادی موجود کشور و همچنین، نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌های پیش روی کشور

است. چرا که بدون شناخت از این نقاط قوت و ضعف امکان اقدام و برنامه‌ریزی صحیح برای رفع موانع وجود نخواهد داشت. بحث دیگری که بر آن تأکید ویژه‌ای گشت، وجود نقشه‌ی عملیاتی و داشتن یک آرایش جهادی است که بسیار ضروری و مهم می‌باشد و بدون چنین نقشه‌ای هرگونه اقدامی از جانب افراد و آحاد مردم می‌تواند نیروها و استعدادها را در جهات مختلف هدایت نماید که نتیجه آن به هدر رفتن منابع و گاهی انجام اقدامات موازی و متضاد می‌باشد. همچنین آن‌چه که در تمام این مراحل به عنوان یک پیش نیاز باید شناخته شود موضوع آموزش نیروها می‌باشد که در گزارش نیز به آن تأکید گردیده است.

پیش از پایان و جمع‌بندی مطالب ذکر شده توجه به دو نکته جهت تحقق اهداف مد نظر جهاد اقتصادی در کشور و شهرداری تهران ضروری و مهم جلوه می‌نمایند.

نکته نخست در ارتباط با آحاد جامعه اعم از مسئولین و سیاست‌گذاران است که باید عنوان نمود که نخستین اقدام در جهت تحقق جهاد اقتصادی، مطالعات گسترده و همه جانبه‌ای است که باید در بخش‌های مختلف صورت پذیرد تا از این طریق بتوان ضمن دسته‌بندی و اولویت‌بندی موضوعات کلان در حوزه‌ی اقتصادی کشور، اقدامات بعدی (منطبق بر چارچوب مفهومی ارائه شده در این گزارش) را صورت داد. چرا که بدون انجام چنین مطالعاتی امکان تحمیل هزینه‌های فراوان بر کشور متصور خواهد بود و دستیابی به اهداف مد نظر جهاد اقتصادی را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

نکته بعدی به شهرداری تهران و نقش و جایگاه این نهاد در تحقق اهداف جهاد اقتصادی باز می‌گردد. در این ارتباط لازم است تا شهرداری تهران نقش و وظایف خود را در جهت هم راستایی با اهداف این موضوع مورد بازنگری قرار دهد. در این ارتباط، همان گونه که پیش از این بیان گردید، انجام مطالعه و تحقیق پیش از انجام هر اقدامی بسیار ضروری جلوه می‌کند و در این راستا نیاز است تا کمیته‌هایی تخصصی، شامل اندیشمندان و صاحب نظران اقتصادی و همچنین مدیران و کارشناسان این نهاد شکل گیرد که این کمیته‌ها وظیفه‌ی برنامه‌ریزی، ارزیابی و اصلاح راهبردها و نقشه‌های عملیاتی را بر عهده داشته باشند.

در پایان باید اشاره نمود که رهبری انقلاب با نام‌گذاری امسال به نام سال جهاد اقتصادی در واقع خواستار تغییر رویکردها و روش‌های متعارف در پیشبرد اهداف و اقدامات بوده‌اند که در این راه آن‌چه که اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌نماید پرهیز از هرگونه اقدام و فعالیت شعاری و تبلیغاتی است. زیرا ایشان همان‌طور که در گزارش نیز اشاره شد به طور صریح تأکید نموده‌اند که این نام‌گذاری‌ها تنها یک عبارت نمایشی و تشریفاتی نیستند، بلکه نقشه راه ملت و مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران در آن سال می‌باشد. این نام‌ها حرکت‌های مدیریتی را پایه‌گذاری می‌کنند که با پایان سال تمام نمی‌شوند.

منابع

- ۱) پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری به آدرس www.khamenei.ir
- ۲) اصفهانی، راغب. مفردات الفاظ القرآن، ۱۳۶۳ (المکتبۃ المرتضویۃ، چاپ دوم، ص ۱۰۱).
- ۳) بانک مرکزی (۱۳۸۹): «گزارش بهره‌وری اقتصاد ایران؛ ۱۳۸۶-۱۳۶۷».
- ۴) بیانات مقام معظم رهبری در پیام نوروزی در ابتدای سال ۱۳۹۰ (فروردین ۱۳۹۰).
- ۵) بیانات مقام معظم رهبری در جمع زائران حرم رضوی (فروردین ۱۳۹۰).
- ۶) بیانات مقام معظم رهبری در جمع کارکنان منطقه گازی پارس جنوبی در عسلویه (فروردین ۱۳۹۰).
- ۷) بیانات و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در ارتباط با جهاد اقتصادی در صحیفه نور (جلدهای ۱۱، ۱۷ و ۱۸).
- ۸) بختیاری، صادق و زهرا حق (۱۳۸۰): «بررسی افزایش درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی؛ مورد: بیماری هلندی در اقتصاد ایران»؛ اقتصاد کشاورزی و توسعه؛ سال نهم، شماره ۳۵، پاییز، صفحات ۱۰۹-۱۳۸.
- ۹) پورفرج، علیرضا (۱۳۸۳): «مخارج دولت برای سرمایه انسانی و نقش آن در رشد اقتصادی ایران».
- ۱۰) قرشی، علی اکبر. قاموس قرآن، (تهران، دارالکتب الاسلامیه)، ج ۲، ص ۷۷-۷۸).
- ۱۱) گزارش «درباره لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اسفندماه ۱۳۸۹
- ۱۲) محمدی، تیمور و حسین اکبری فرد (۱۳۸۷): «اثر شوک‌های بهره‌وری بر رشد اقتصادی ایران»؛ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران؛ سال دهم؛ شماره ۳۵؛ تابستان ۱۳۸۷؛ صفحات ۱۷۷-۲۰۴.
- ۱۳) «هدف‌گذاری شاخص‌های محوری اقتصاد در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴»، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، دفتر برنامه‌ریزی اقتصاد کلان، ۱۳۹۰
- ۱۴) «راهبردهای نحوه انجام مأموریت‌ها و وظایف شهرداری تهران؛ گذار از مدیریت تصدی‌گرایانه به مدیریت کارفرمایی» معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی توسعه شهری شهرداری تهران، ۱۳۸۹
- ۱۵) نجفی، محمد حسن. (جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، (دارالکتب الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳).
- ۱۶) یددا... زاده طبری، ناصر (۱۳۷۲): اثر افزایش قیمت نفت بر ساختار اقتصاد ایران (بیماری هلندی)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
- 17) Gylfason, T., T.T. Herbertson and G. Zoega (1999); "A mixed blessing: natural resources and economic growth"; Macroeconomic Dynamics, Vol 3.
- 18) Lam, Ricky and Leonard Wantchekon (2003); "Political Dutch Disease".
- 19) Leite, C. and J. Weidmann (2002); "Does mother nature corrupt- Natural resources, corruption and economic growth"; IMF Working Paper 99/85, Washington D.C.: International Monetary Fund.
- 20) Mehlum, H, K.O. Moene and R. Torvik (2005); "Institutions and the resource curse", The Economic Journal.
- 21) Ross, M.L. (2003) ; "What do we know about natural resources and civil war?"; Journal of Peace Research, Vol. 41, pp. 337-356.

عناوین انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران از سال ۱۳۸۷ تاکنون:

کتاب:

- ۱- طراحی تفرجگاهی در نواحی رودکناری در محیط کلانشهرها
- ۲- مدیریت زیست محیطی فضای سبز شهری
- ۳- شهرها در فرآیند جهانی شدن (گزارش سکونتگاه‌های انسانی)
- ۴- مجموعه مقالات سمینار چالش‌ها و راهبردهای زیست محیطی کلانشهر تهران
- ۵- راهنمای توانمندسازی شهروندان و محلات شهر برای ارتقای سلامت
- ۶- آلودگی هوا (راهبردهای ملی، قوانین و مقررات)
- ۷- آلودگی هوا و صدا در حقوق ایران
- ۸- مدیریت بحران (اصول و راهنمای عملی دولت‌های محلی)
- ۹- برنامه‌ریزی شهری سالم
- ۱۰- فن‌آوری راهبردی مدیریت دانش
- ۱۲- امکان‌سنجی انتخاب مستقیم شهرداران توسط مردم در ایران

گزارش‌های دانش شهر:

- ۱- جهانشهرها و گروه اقتصادی G20
- ۲- سیاه چاله‌ها و پیوندهای سست در شبکه شهرهای جهانی
- ۳- مروری بر برنامه‌ریزی فرهنگی در شهرداری‌های استان اونتاریو، کانادا
- ۴- جایگاه مشارکت شهروندان در اسناد بالادستی
- ۵- تحلیلی بر موضوع انتقال پایتخت سیاسی کشور
- ۶- وضعیت شهروندی
- ۷- دیپلماسی شهری در فرآیند جهانی شدن
- ۸- جایگاه مسئولیت پاسخگویی در شهرداری
- ۹- بررسی کاهش آلودگی هوای شهر تهران با جایگزینی سوخت CNG
- ۱۰- اثرات اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در استان تهران
- ۱۱- حکمرانی خوب شهری
- ۱۲- جایگاه فضاهای زیرزمینی در طرح‌های شهری
- ۱۳- مشارکت، تصور از مشارکت و حمایت شهروندان
- ۱۴- بررسی اجمالی تولید ناخالص داخلی ایران با توجه به سهم استان‌ها
- ۱۵- بررسی وضعیت رود دره فرخزاد
- ۱۶- معلولیت و شهروندی
- ۱۷- بحران سفید (برف) و مدیریت آن در کلانشهرها
- ۱۸- دیپلماسی شهری (ابزاری برای توسعه ملی در عصر فضای جریان‌ها)
- ۱۹- مدیریت منظر شهری محلات با رویکرد پایداری
- ۲۰- مطالعه وضعیت ازدواج در مناطق ۲۲گانه شهر تهران

- ۲۱- مطالعه وضعیت طلاق در شهر تهران
- ۲۲- بحران مالی جهانی و تاثیرات آن بر سطح ملی و منطقه‌ای (با تاکید بر شهر تهران)
- ۲۳- بررسی ضوابط بلندمرتبه‌سازی در شهر تهران
- ۲۴- شهروندی و سالمندی
- ۲۵- کشاورزی شهری
- ۲۶- کلانشهرها و چالش‌های حمل و نقل
- ۲۷- کودکان و شهروندی
- ۲۸- شهروندی فعال و نظارت شهروندی
- ۲۹- مطالعه وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار
- ۳۰- جایگزینی مینی‌بوس‌های فرسوده شهر تهران، چالش‌ها و راهکارها
- ۳۱- لیزینگ زمین و مسکن
- ۳۲- نقش سازمان‌های بین‌المللی در جایگاه جدید جهانی کلانشهرها با تاکید بر مجمع شهرداران کلانشهرها
- ۳۳- مسئله‌یابی در حوزه مدیریت شهری

گزارش‌های مدیریتی:

- ۱- ارزیابی درآمدها و هزینه‌های اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها
- ۲- بررسی چالش‌ها و راهبردهای رشد اقتصادی در ایران (با تمرکز بر استان تهران)
- ۳- بررسی چالش‌ها و راهبردهای دست‌یابی به اشتغال کامل (با تمرکز بر استان تهران)
- ۴- بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ کشور و مقایسه آن با احکام برنامه پنجم و بودجه سال ۱۳۸۹
- ۵- گزارش شاخص بهروزی در سال ۲۰۱۰ و جایگاه ایران در آن
- ۶- گزارش عملکرد شهرداری تهران (از سال ۸۴ لغایت ۸۹)
- ۷- بررسی مسائل و مشکلات شهر تهران (از دیدگاه شورایاران)
- ۸- بررسی چالش‌ها و راهبردهای کاهش تورم در ایران (با تاکید بر استان تهران)
- ۹- معرفی مراکز و سازمان‌های علمی و پژوهشی بین‌المللی و داخلی فعال در حوزه مدیریت شهری
- ۱۰- میانی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد
- ۱۱- گزارش عملکرد سال ۸۹ مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران
- ۱۲- شناسایی وضعیت و ابعاد هویت اجتماعی شهروندان تهرانی و راهکارهای ارتقاء آن
- ۱۳- ضرورت‌ها و الزامات مدیریت یکپارچه در کلانشهر تهران
- ۱۴- بررسی ضوابط احداث، نگهداری و مدیریت سرویس‌های بهداشتی عمومی